

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از بررسی مستندات کنگره، با توجه به جایگاه علمی برگزارکنندگان و کارگروه مربوط به آن، سطح علمی و پژوهشی چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی را تایید کرد. این موضوع طی نامه‌ای به شماره ۱۳۹۵۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ به اطلاع شورای سیاست‌گذاری کنگره رسیده است.



**مجموعه مقالات
چهارمین کنگره بین المللی
علوم انسانی اسلامی**

کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی

اسامی هیئت داوران

کمیسیون «هنر و معماری»
رئیس کمیسیون: مهندس عبدالحمید نقره کار

اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- پردیس بهمنی: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- سمانه تقدیر: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- محمدمنار رئیس: عضو هیئت علمی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه قم
- محمد صالح شکوهی بیدهندی: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- محمدرضا عطایی همدانی: دکترای معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان
- صدیقه معین مهر: دکترای معماری اسلامی، مُدّرس دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
- مسعود ناری قمی: استادیار دانشگاه فنی و حرفه‌ای، دانشکده پسران قم
- عبدالحمید نقره کار: دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
- سید مجید هاشمی: دکترای معماری و استادیار دانشگاه ولی عصر علیه السلام رفسنجان

سرشناسه	: کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی (چهارمین: ۱۳۹۶: تهران)
عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی نویسندگان جمعی از نویسندگان مقاله
ویراستار مرتضی طباطبایی	: حامیان برگزاری کنگره مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا... (و دیگران):
مشخصات نشر	: تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	: ج ۱۰:
شابک	: ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۶۸۹: دوره: ج ۱۰، ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۰۲۱: ج ۲، ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۱۹: ج ۲، ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۲۳: ج ۳، ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۳۳: ج ۴، ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۴۰: ج ۵، ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۵۷: ج ۶، ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۶۴: ج ۷، ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۷۱: ج ۸، ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۸۸: ج ۹، ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۹۵: ج ۱۰.
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
مندرجات	: ۱. کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی - ج ۲، کمیسیون تخصصی فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی - ج ۳، کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی - ج ۴، کمیسیون تخصصی علوم سیاسی اسلامی - ج ۵، کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی - ج ۶، مقالات کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی - ج ۷، مقالات کمیسیون تخصصی روان‌شناسی اسلامی - ج ۸، مقالات کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی - ج ۹، مقالات کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی - ج ۱۰، مقالات کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی -
موضوع	: علوم انسانی (اسلام) - کنگره‌ها
موضوع	: Humanities (Islam) -- Congresses
موضوع	: علوم انسانی -- کنگره‌ها
موضوع	: Humanities -- Congresses
شناسه افزوده	: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
رده بندی کنگره	: BP۳۳۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۸۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۴۰۳۹۸

مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

جلد هشتم | کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا)

نویسندگان: جمعی از نویسندگان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

ویراستار: مرتضی طباطبایی

طراحی جلد: سید ایمان نوری نجفی

صفحه آرای: یوسف بهرخ

نوبت و سال انتشار: نخست، بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ دوره

شابک دوره: ۹-۶۸-۷۸۶۷-۷۸۶۴-۹۷۸

شابک: ۱۱-۷۷-۷۸۶۷-۷۸۶۴-۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان کشور دوست، کوچه نوشیروان،

پلاک ۲۶، طبقه چهارم، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

تلفکس: ۰۹۰۵۶۰۶۶۴

www.sccsr.ac.ir

پایگاه اینترنتی:

info@sccsr.ac.ir

رایانامه:

فهرست مطالب

کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی

- | | |
|-----|---|
| ۹ | مبانی نظری نوسازی متوازن بافت‌های فرسوده شهری
علیرضا عندلیب |
| ۴۵ | تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن
در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه
سمانه تقدیر |
| ۷۳ | راهکارهای تأمین سلامت در معماری و شهرسازی اسلامی
مهدی حمزه نژاد، زهرا ثروتی |
| ۹۷ | تأملی انتقادی بر رویکردهای تحقیق در معماری
و شهرسازی با استناد به آموزه‌های اسلامی
محمدمنان رئیسی |
| ۱۲۳ | بررسی تأثیر قواعد اخلاقی-فقهی
در تنظیم قانون مدنی و مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری
سیدمجید هاشمی طغراجردی |
| ۱۵۳ | روش تحقیق در تحقق شهرسازی اسلامی (برنامه‌ریزی شهری)
سیدمصطفی حسینی، علی حجازیان، محمد حسین گلکار، عبدالله صادقی |
| ۱۷۵ | مدل استراتژیک عدالت اجتماعی و فضایی در شهر آرمانی اسلام
بهزاد عمرانزاده |

۲۰۳

انسان خودشکوفای اشتداد یافته ملاصدرا و نمود آن در طراحی معماری کمال‌گرای انسانی
عاطفه ظریف فیروز عسگری، دکتر مهدی حمزه‌نژاد

۲۲۱

بررسی و تطبیق صفات نادان‌شهرهای فارابی
با شهرها و محله‌های معاصر (شهر مشهد)
وحیده فکری، مهدی حمزه‌نژاد

۲۴۳

بررسی تطبیقی در مفهوم و مبانی طراحی اشیا از منظر ایرانی-اسلامی (نمونه پژوهش:
ظروف خانگی قرون اولیه اسلامی)
پردیس بهمنی

۲۷۱

شاخصه‌سازی کیفیت مسکن ارزان‌قیمت با نگرش اسلامی
پریسا محمدصادقی، مهدی حمزه‌نژاد

۳۰۳

نقشه راه شهرسازی اسلامی جهت تحقق تمدن نوین اسلامی
علی حجازیان، سیدمصطفی حسینی، محمدحسین گلکار

۳۱۹

تحلیل نحوه تغییر سرفصل دروس کارشناسی ارشد
برنامه‌ریزی منطقه‌ای در جهت اسلامی شدن
محمدصالح شکوهی بیدهندی

۳۳۵

ارزیابی راهبردهای تولید دانش اسلامی، با تأکید بر مطالعات شهرسازی
احسان شریفیان، محمد سیدغراب

۳۶۹

واکاوی عدم تطبیق سبک زندگی با مصوبات معماری و
شهرسازی با تأکید بر سطح اشغال و اقلیم
سارا بهمنی کازرونی، امیرحسین جمشیدی، علیرضا حیدری

بررسی تطبیقی در مفهوم و مبانی طراحی اشیا از منظر ایرانی-اسلامی* (نمونه پژوهش: ظروف خانگی قرون اولیه اسلامی)

پردیس بهمنی

عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

bahmanip@iust.ac.ir

چکیده

اشیا نقش درخور توجهی در زندگی و به تبع آن، تمدن و فرهنگ دارند. انسان همواره کاربر اشیا است و علاوه بر کاربردهایی که از هر شیء انتظار می‌رود، به نقش، شکل و تزئینات آن نیز توجه می‌شود و در ادراک و ارتباط انسان و اشیا مهم است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر طراحی ظروف خانگی به عنوان زیرمجموعه اشیای مورد استفاده در قرون اولیه اسلامی ایران است.

روش تحقیق این پژوهش در گروه تحقیقات کیفی و به صورت تاریخی-تفسیری است. با توجه به رویکرد زمینه‌گرایی، سه مقوله ساختار ظاهری، ساختار عملکردی و ساختار محتوایی برای طراحی ظروف خانگی طراحی شد. سپس ابتدا اوضاع اجتماعی سده‌های مورد نظر کانون بررسی و تحقیق قرار گرفت و آن‌گاه طبقه‌بندی ظاهری و محتوایی ظروف خانگی، جداگانه بررسی شد.

به نظر می‌رسد در بسیاری از ظروف خانگی، سنت‌های کهن و باورهای اسلامی در نقش و فرم‌های نمادین مرتبط با آب و نور با هم ترکیب شده‌اند. برای مثال نقوش هندسی عناصر طبیعت مانند آب، زمین و خورشید، در کنار نقوش

جدول ۸- واحدهای تجاری خرید روزانه - هفتگی (در مقیاس محله)

عنوان	مشخصات براساس معیارهای عمومی
انواع واحدهای تجاری خرید روزانه - هفتگی	علاوه بر واحدهای تجاری خرید روزانه شامل: - سلمانی، دوزندگی - پنبه‌دوزی، تعمیر و تاسیسات و لوازم منزل - قنادی و خشکبار - کتابفروشی و لوازم‌التحریر - خشکشویی - گل فروشی، کلیدسازی - الکتریکی و تعمیر لوازم برقی - طبخ‌خانه و کبابی، قهوه‌خانه - فالوده و آمیوه و بستنی فروشی - ساندویچ فروشی
جمعیت سرویس دهنده	۶۰۰ - ۹۰۰ خانوار ۴۰۰۰ - ۲۵۰۰ نفر
شعاع دسترسی	- در فاصله ۵ دقیقه پیاده از محل واحد مسکونی قرار گیرد.
سرانه و فضای مورد نیاز ^(۱)	- تعداد مطلوب واحدهای تجاری در مراکز محلات به ازای هر ۳۳۵ نفر یک واحد می‌باشد. - حداکثر سطح کل قطعه زمین تفکیکی در هر مرکز محله ۸۵ مترمربع می‌باشد.
نوع ارتباطات	- نزدیک محور پیاده محله‌ای قرار گیرد. - در کنار مسیرهای سواره درون محله‌ای واقع شود.
توقفگاه ^(۱)	- پیش‌بینی یک محل توقف به ازای هر واحد تجاری الزامی است. - پیش‌بینی خلیج در توقفگاه مربوطه جهت بارگیری و باراندازی بمنظور جلوگیری از اختلال در رفت و آمد الزامی است.
موقعیت معمول	- در مرکز محله واقع شود.
ضوابط طراحی ^{(۱)(۲)(۳)}	- حداکثر سطح زیربنا ۱۰۰ درصد قطعه زمین است که حداقل ۴۵ درصد آن جهت مکان عرضه و فروش کالا باید در نظر گرفته شود و مابقی آن جهت بسته‌بندی، انبار و آماده‌سازی و غیره باید مورد استفاده قرار گیرد. - پیش‌بینی مکانی جهت احداث سرویس‌های بهداشتی در ازای هر ۱۰ تا ۱۲ واحد تجاری ۱ سرویس بهداشتی و ۱ دستشویی الزامی است. - تعداد طبقات مجاز به استثنای زیرزمین حداکثر ۱ طبقه می‌باشد. - حداکثر ارتفاع واحد تجاری معادل ۵/۳ متر می‌باشد.
اولویت‌سازی	- نزدیکی به واحدهای مسکونی تحت پوشش. - همجوار با کاربریهای مرکز محله

منابع:

۱. تجدید نظر در طرح جامع شهر یزد، مشاور شهردار، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، سال ۱۳۶۳.
۲. طرح احیاء بافت قدیم کرمان، جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران - دانشکده هنرهای زیبا، سال ۱۳۶۶.
۳. طرح ساماندهی منطقه مشهد اردهال، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سال ۱۳۷۰.

ادامه جدول ۶- آموزش ابتدایی (در مقیاس محله)

عنوان	مشخصات براساس معیارهای عمومی
ضوابط طراحی	<ul style="list-style-type: none"> - سطح کل زیرینا در طبقات از ۴۰٪ زمین تجاوز نماید، حداقل سطح آزاد ۶۰٪ سطح زمین^(۴). - حداکثر طبقات مجاز به استثنای زیرزمین یک طبقه می باشد.^(۴) - حداکثر فاصله تا محلات مسکونی ۸۰۰ متر. - حداقل فاصله از کارگاههای مزاحم ۵۰۰ متر. - مدرسه ابتدایی باید قابل دسترسی پیاده باشد. - عدم تداخل با سواره، از خیابانهای اصلی دور باشد.
اولویت سازگاری	<ul style="list-style-type: none"> - همجواری با فضای سبز عمومی. - همجواری با مؤسسات فرهنگی (کتابخانه، گانویں پرورش فکری، ...). - همجواری با محلات مسکونی. - همجواری با تجاری (خرید روزانه - هفتگی).

منابع براساس اطلاعات:

1. Urban Planning and Design Criteria.

۲. تحقیق دانشجویان شهرسازی در مورد سرانه فضاهای شهری، گروه شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، سال ۱۳۶۲.
۳. طرح احیاء یافت کرمان، جهاد دانشگاهی، دانشکده هنرهای زیبا، سال ۱۳۶۶.
۴. تجدید نظر در طرح جامع یزد، مشاور شهرد. تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، سال ۱۳۶۳.

جدول ۷- آموزش ابتدایی (در مقیاس محله)*

عنوان	مشخصات براساس اطلاعات سازمان نوسازی مدارس
سن دانش آموز	۱۰ - ۶ سال
اندازه مدارس ابتدایی	<ul style="list-style-type: none"> حداقل: ۱۰ کلاس ۳۵ دانش آموز متوسط: ۱۵ کلاس ۵۲۵ دانش آموز حداکثر: ۲۰ کلاس ۷۰۰ دانش آموز
تعداد متوسط دانش آموز هر کلاس	۳۵ دانش آموز
فضای مورد نیاز دبستان و سرانه مطلوب	<ul style="list-style-type: none"> - حداکثر تعداد طبقات در مدارس ابتدایی ۲ طبقه می باشد. - سرانه زیرینا در مدارس ۱۰ کلاس ۳/۳۳ به ازاء هر دانش آموز و سرانه محوطه ۳/۸۳ به ازاء هر دانش آموز. - سرانه زیرینا در مدارس ۱۵ کلاس ۳/۱۳ به ازاء هر دانش آموز و سرانه محوطه ۳/۶۷ به ازاء هر دانش آموز. - سرانه زیرینا در مدارس ۲۰ کلاس ۳/۰۵ به ازاء هر دانش آموز و سرانه محوطه ۳/۴۷ به ازاء هر دانش آموز. - متوسط سرانه زیرینا در مدارس ابتدایی ۳/۲۵ و سرانه محوطه ۳/۹۱ به ازاء هر دانش آموز. - میانگین سرانه زمین در مدارس یک طبقه ۷/۸۹ به ازاء هر دانش آموز. - میانگین سرانه زمین در مدارس دو طبقه ۵/۵۴ به ازاء هر دانش آموز. - حداقل زمین مورد نیاز مدارس ۱۰ کلاس ۲۰۵۰ مترمربع. - حداقل زمین مورد نیاز مدارس ۱۵ کلاس ۳۰۰۰ مترمربع. - حداقل زمین مورد نیاز مدارس ۲۰ کلاس ۳۷۰۰ مترمربع.

* براساس جداول سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس سال ۱۳۷۶ و کتاب اصول و معیارهای طراحی فضاهای آموزشی و پرورشی، تألیف: بهرام قاضی زاده، انتشارات سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس.

پیوست‌ها

جدول ۶- آموزش ابتدائی (در مقیاس محله)

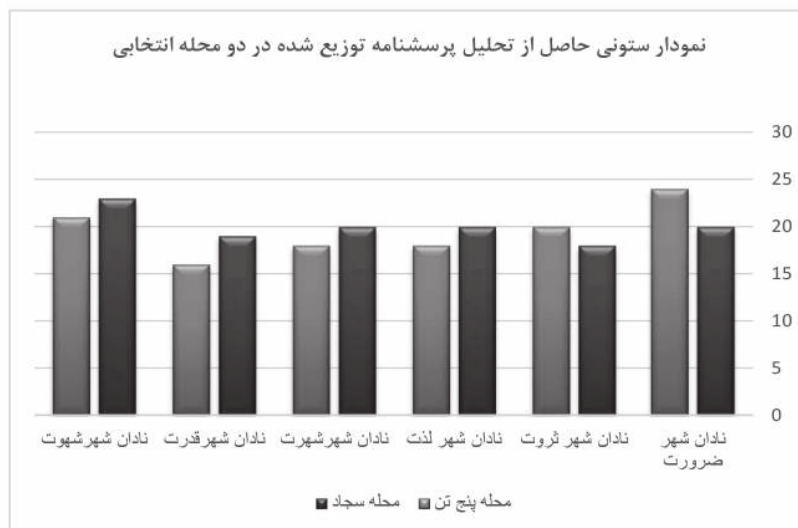
عنوان	مشخصات براساس معیارهای عمومی
مقیاس خانواده	۴-۵ نفر در خانوار.
جمعیت دانش‌آموز ^(۱)	۱۲۵-۱۷۵ بچه در سن مدرسه ابتدائی به ازاء ۱۰۰۰ نفر یا ۲۵۰-۲۰۰ خانواده.
تعداد دانش‌آموزان سن دبستان به ازاء خانواده	۰/۵۵-۰/۳۵ دانش‌آموز.
سن دانش‌آموز	۱۰-۶ سال.
اندازه مدرسه ابتدائی	حداقل: ۳۵ دانش‌آموز. متوسط: ۵۵ دانش‌آموز. حداکثر: ۷۵ دانش‌آموز.
تعداد دانش‌آموز هر کلاس	۳۵-۳۰ دانش‌آموز.
جمعیت سرویس دهنده	حداقل: ۳۵۰ نفر. متوسط: ۴۵۰ نفر. حداکثر: ۵۵۰ نفر.
فضای مورد نیاز دبستان سطح سرانه مطلوب ^(۲)	- حداقل ۹ متر مربع برای هر دانش‌آموز (فضای باز ۵ متر مربع و فضای سرپوشیده ۴ مترمربع). - حداقل مساحت مورد نیاز ۲۵۰۰ مترمربع برای ۲۵۰ نفر به ازاء هر ۱۰۰ شاگرد اضافی ۲۵۰ مترمربع سرپوشیده و ۳۵۰ مترمربع فضای باز.
شعاع دسترسی	حداقل: ۴۰۰ متر (پیاده). حداکثر: ۸۰۰ متر (پیاده).
نوع ارتباطات	- همجواری یا مسیرهای اصلی پیاده. - عدم تداخل با مسیرهای سواره اصلی. - نزدیکی با سواره‌گند محله‌ای.
توقفگاه مورد نیاز ^(۳)	یک توقفگاه به ازاء هر کلاس به اضافه ۳ توقفگاه دیگر.
موقعیت معمول	- نزدیک مرکز محله. - نزدیک یا چسبیده به دیگر خدمات محله‌ای.
فضاهای مورد نیاز دیگر	- فضای بازی بچه‌ها.

ادامه جدول در صفحه بعد.

منابع

۱. جمشیدنژاد، غلامرضا (۱۳۸۸). آرمان‌شهر فارابی (مروری بر زندگی و آثار ابونصر فارابی). تهران: انتشارات همشهری.
۲. حبیبی، سیدمحسن (۱۳۷۸). سرانه کاربری‌های شهری. تهران: سازمان ملی زمین و مسکن.
۳. حکمت، نصرالله (۱۳۸۹). فارابی: فیلسوف غریب. تهران: انتشارات علم.
۴. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۹). فارابی: فیلسوف فرهنگ. تهران: نشر سخن.
۵. محتشم امیری، سعیده (۱۳۹۳). بررسی صفات شهر مطلوب اسلامی از منظر حکیم ابونصر فارابی، مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی.
۶. ملکشاهی، حسن (۱۳۸۹). السياسة المدنی. تهران: انتشارات سروش.
۷. ملکشاهی، حسن (۱۳۸۸). فصول منتزعه. تهران: انتشارات سروش.
۸. ناظرزاده کرمانی، فرناز (۱۳۷۶). اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی. تهران: نشر دانشگاه الزهراء(س).

*برخی پرسش‌ها به دلیل مشترک بودن در نادان‌شهرها یک بار نوشته شده است؛ لذا در سنجش پرسشنامه‌ها پرسش برای هر محله محسوب خواهد شد.



نتیجہ گیری

با توجه به ویژگی‌های کالبدی نادان محله‌ها که با استفاده از تحلیل متون و روش دلفی به دست آمد، و سنجش آنها با سرانه‌های مطلوب کاربری‌ها در محله، می‌توان به نارسایی‌ها و دلایل ایجاد نقص‌های شخصیتی و تفکر افراد پی برد. البته نقص‌هایی که فارابی عنوان می‌کند (مانند ثروت محوری یا شهرت محوری) مطلق‌اند، نه نسبی. برای مثال افزایش ساختمان‌های بلند و تفاخرجویی در نمای ساختمان‌ها در محله‌های موجود در دهک اقتصادی بالا موجب افزایش نادانی شهرت در مقایسه با محله‌های موجود در دهک اقتصادی پایین شده است. همچنین گفتنی است که این بررسی موجب کشف نقایص نسبی محلات نسبت به هم شده است؛ لذا این ایجاد ارتباط بین نادان‌شهرهای فارابی با نادان محله‌ها و نادانی افکار مردم می‌تواند نقدی باشد برای وضع موجود محله‌های امروزی که می‌توان به دنبال این نقد و شناخت نقص‌ها راهکارهایی برای بهبود ارائه داد.

					۱۴ رفتن به پارک و مراکز تفریحی را به مسجد و مراکز عبادی ترجیح می‌دهم
					۱۵ خوشبختی را در پول بیشتر و پس انداز آن می‌دانم
					۱۶ در محله ما کسی در کار کسی دخالت نمی‌کند حتی در فضای عمومی
					۱۷ حداقل هفته‌ای دوبار در محله با همسایگان معاشرت می‌کنم
					۱۸ ثروت از علم و تحصیل برای من ارجح‌تر است
					۱۹ اینکه در بین دیگران با افتخار و بزرگ شمرده شوم برای من اهمیت دارد
					۲۰ تمایل دارم بیش از نیمی از روز خود را صرف خوش گذرانی کنم
					۲۱ بیشتر افراد خاص در این محله زندگی می‌کنند
					۲۲ آدم تجملاتی‌ای هستم
					۲۳ در اوقات فراغت رفتن به کافی شاپ و پارک را به جای کتاب خواندن ترجیح می‌دهم
					۲۴ تمایل دارم تمام زمان خود را صرف کسب درآمد کنم
					۲۵ در صورت مستأجر بودن: در این محله احساس غریبگی و تنهایی دارم
					۲۶ در هنگام خرید به ضروریات زندگی بسنده می‌کنم
					۲۷ در اوقات فراغت رفتن به مرکز خرید را به رفتن به مسجد ترجیح می‌دهم
					۲۸ ترجیح می‌دهم به جای خرید خانه پول خود را صرف خوش گذرانی و تفریح کنم
					۲۹ بیشترین ساعات من در شبانه روز صرف جسم من می‌شود (ورزش، غذا، خواب)
					۳۰ مشارکت در فعالیت‌های عمومی را دوست دارم
					۳۱ اینکه نمای خانه فاخر و تجملاتی باشد برای من اهمیت دارد
					۳۲ از جانب همسایه‌ها مورد آزار و اذیت (مالی - روحی - اجتماعی) قرار گرفته‌ام
					۳۳ به همه چیز و همه کس به عنوان تجارت و منبع کسب درآمد نگاه می‌کنم
					۳۴ هدفم از کار کردن لذت بردن است
					۳۵ باید از لحاظ مالی و شخصیتی در بین همسایه‌ها برتر باشم

۵. تحلیل پرسشنامه

پرسش‌های مطرح‌شده در پرسشنامه با توجه به مواردی که در مبانی نظری مطرح شد، در شش دسته هفت پرسشی تقسیم شد و به صورت پراکنده برای مخاطب مطرح گشت و مورد بررسی قرار گرفت. پنجاه پرسشنامه در هر محله توزیع شد که با استفاده از طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

شهر ضرورت، شهر ثروت، شهر لذت، شهر شهرت، شهر قدرت، شهر شهوت

جنسیت:		سن:		شغل:		مالک هستید یا مستأجر:	
دلیل شما از انتخاب این محله برای سکونت چیست؟							
ردیف	پرسش	بسیار کم	کم	تا حدی زیاد	زیاد	بسیار زیاد	
۱	بیشترین ساعات شبانه‌روزم را صرف کار و کسب درآمد می‌کنم						
۲	خوشبختی را در تفریح و لذت بیشتر در دنیا می‌دانم						
۳	مسائل فرهنگی و مشارکت در آن‌ها برای من اهمیت دارد						
۴	از نظر اقتصادی با دیگر همسایه‌ها در یک سطح نیستم						
۵	در صورت رفتن به مسافرت، می‌توانم خانه را به همسایه‌ها بسپارم						
۶	هدفم از کمک کردن به دیگران، محترم و بزرگ شمرده شدن در بین مردم است						
۷	تردد افراد غریبه در محله ما است *						
۸	محله ناامنی داریم (دزدی، خیانت، دعوا و ...)						
۹	ترجیح می‌دهم به جای استفاده از پول‌هایم برای لذت بردن از زندگی آنها را پس‌انداز کنم						
۱۰	استفاده از پنجره‌های خانه باعث از بین رفتن حریم خصوصی خانه ما می‌شود *						
۱۱	همه کار می‌کنم تا در بین مردم شناخته‌شده و متمایز باشم						
۱۲	افراد دیگر محله‌ها مشتاق هستند که در این محله زندگی کنند						
۱۳	داوطلبانه به نیازمندان محله کمک می‌کنم						

جدول شماره ۸. پرسش‌های پرسشنامه (برگرفته از شاخص‌های کالبدی، منبع: نگارنده)

<p>نادان‌شهر ضرورت</p>	<p>۱. بیشترین ساعات شبانه روزم را صرف کار و کسب درآمد می‌کنم ۲. مسائل فرهنگی و مشارکت در آنها برای من اهمیت دارد ۳. در صورت رفتن به مسافرت، می‌توانم خانه را به همسایه‌ها بسپارم ۴. حداقل هفته‌ای دو بار در محله با همسایگان معاشرت می‌کنم ۵. در هنگام خرید به ضروریات زندگی بسنده می‌کنم ۶. بیشترین ساعات من در شبانه‌روز صرف جسم من می‌شود (ورزش، غذا، خواب) ۷. در اوقات فراغت رفتن به مرکز خرید را به رفتن به مسجد ترجیح می‌دهم</p>
<p>نادان‌شهر شهوت</p>	<p>۱. از نظر اقتصادی با دیگر همسایه‌ها در یک سطح نیستم ۲. تردد افراد غریبه در محله ما است ۳. افراد دیگر محله‌ها مشتاق هستند که در این محله زندگی کنند ۴. در محله ما کسی در کار کسی دخالت نمی‌کند حتی در فضای عمومی ۵. مشارکت در فعالیت‌های عمومی را دوست دارم ۶. محله نا امنی داریم (دزدی، خیانت، دعوا و ...) - استفاده از پنجره‌های خانه باعث از بین رفتن حریم خصوصی خانه ما می‌شود</p>
<p>نادان‌شهر لذت</p>	<p>۱. خوشبختی را در تفریح و لذت بیشتر در دنیا می‌دانم ۲. رفتن به پارک و مراکز تفریحی را به مسجد و مراکز عبادی ترجیح می‌دهم ۳. تمایل دارم بیش از نیمی از روز خود را صرف خوش‌گذرانی کنم ۴. در اوقات فراغت، رفتن به کافی‌شاپ و پارک را به جای کتاب خواندن ترجیح می‌دهم ۵. ترجیح می‌دهم به جای خرید خانه پول خود را صرف خوش‌گذرانی و تفریح کنم ۶. هدفم از کار کردن لذت بردن است</p>
<p>نادان‌شهر قدرت</p>	<p>۱. محله ناامنی داریم (دزدی، خیانت، دعوا و ...) ۲. استفاده از پنجره‌های خانه، موجب از بین رفتن حریم خصوصی خانه ما می‌شود ۳. بیشتر افراد خاص در این محله زندگی می‌کنند ۴. در صورت مستأجر بودن: در این محله احساس غریبگی و تنهایی دارم ۵. از جانب همسایه‌ها مورد آزار و اذیت (مالی / روحی / اجتماعی) قرار گرفته‌ام ۶. باید از لحاظ مالی و شخصیتی در بین همسایه‌ها برتر باشم</p>
<p>نادان‌شهر ثروت</p>	<p>۱. به همه چیز و همه کس به عنوان تجارت و منبع کسب درآمد نگاه می‌کنم ۲. در اوقات فراغت رفتن به مرکز خرید را به رفتن به مسجد ترجیح می‌دهم ۳. تمایل دارم تمام زمان خود را صرف کسب درآمد کنم ۴. ثروت از علم و تحصیل برایم مهم‌تر است ۵. خوشبختی را در پول بیشتر و پس‌انداز آن می‌دانم ۶. اینکه نمای خانه‌ام فاخر و تجملاتی باشد برایم اهمیت دارد</p>
<p>نادان‌شهر شهرت</p>	<p>۱. هدفم از کمک کردن به دیگران، محترم و بزرگ شمرده شدن در بین مردم است ۲. همه کار می‌کنم تا در بین مردم شناخته شده و متمایز باشم ۳. داوطلبانه به نیازمندان محله کمک می‌کنم ۴. اینکه در بین دیگران با افتخار و بزرگ شمرده شوم برایم اهمیت دارد ۵. آدم تجملاتی‌ای هستم ۶. اینکه نمای خانه فاخر و تجملاتی باشد برایم اهمیت دارد</p>

۴. سنجش شاخصه‌های نمود کالبدی با سرانه‌های مطلوب شهری

برای تصدیق و اثبات صحت شاخصه‌های نمود کالبدی نادان محله‌های شهرهای معاصر، می‌توان با استفاده و مقایسه آمارهای وضع موجود و سرانه مطلوب هر کاربری در محلات (جدول شماره ۶ و ۷) به افزایش یا کمبود شاخص‌ها پی برد (دیگر جدول‌های سرانه‌ها در پیوست آمده است).

جدول شماره ۶. تقسیمات کالبدی محله
(منبع: سرانه کاربری‌های شهری، سیدمحسن حبیبی)

نام تقسیم	واحد مسکونی	کوچه یا گروه مسکونی	کوی یا واحدهمسایگی
محله	۱۲۵۰-۷۰۰	۱۰-۸	۳-۲

جدول شماره ۷. عناصر تشکیل دهنده تقسیمات کالبدی یک محله
(منبع: سرانه کاربری‌های شهری، سیدمحسن حبیبی)

نام تقسیم	اسم‌های مترادف	دامنه نوسان		عناصر شاخص			عناصر توزیعی	رفت و آمد		
		خانوار	نفر	شعاع دسترسی	زمان به دقیقه	خدماتی			نام	مقیاس مطلوب
محله	-	۱۲۵۰-۷۰۰	۵۵۰-۲۵۰	۳۷۵-۳۰۰	۶-۵	فرهنگی آموزشی	مسجد دبستان	<ul style="list-style-type: none"> * به ازای هر نفر * ۰/۲-۰/۳ * به ازای هر دانش آموز * ۹ متر مربع 	<ul style="list-style-type: none"> * کانون پرورش فکری کودکان * واحدهای تجاری خرید روزانه * باجه پست * پارک محله‌ای * واحد پزشکی مستقل 	<ul style="list-style-type: none"> * گذر (پیاده اصلی) * شبکه سواره * ایستگاه اتوبوس * مقر تاکسی تلفنی

تنظیم پرسشنامه

پرسش‌های مطرح‌شده در پرسشنامه با توجه به گزاره‌های نادانی به‌دست‌آمده در شاخص‌های نمود کالبدی تنظیم شده است. لذا تلاش کرده‌ایم تا با بررسی میزان مثبت یا منفی بودن پاسخ‌ها، به نوع نادانی مد نظر فارابی نزدیک شویم.

جدول شماره ۵. شاخصه‌های نادان محله‌ها برگرفته از نادان شهرهای فارابی
(منبع: نگارنده با اعتبارسنجی دلفی)

شهر	نمود کالبدی
نادان شهر (بازار)	۱. رشد بیش از حد مراکز خرید و غلبه آن بر دیگر کاربری‌ها ۲. رشد بیش از حد تولیدی‌ها ۳. کمبود مسجد و مراکز مذهبی ۴. کمبود مراکز فرهنگی (فرهنگسرا و...) و کتابخانه و فضاهای آموزشی با کیفیت ۵. بی‌اعتنایی به روابط همسایگی ۶. بی‌اعتمادی ۷. کمبود مکان اجتماع‌پذیر (فعالیت خانوادگی - معاشرت) در محله ۸. استفاده از سازه‌ها و مصالح بیش از اندازه پایدار (غیر قابل تجزیه) در بناها ۹. کاهش فضای سبز و پارک‌ها در سطح محله ۱۰. کمبود و ضعف قوانین شهرسازی جهت یکپارچه‌سازی و وحدت در محله‌ها و شهرها
نادان شهر (تجارت)	۱. کانون شدن مراکز خرید و فروش در شهر ۲. افزایش مراکز خرید (رشد مراکز تجاری در بعد سوم (ارتفاع)، به جای بازارهای ارگانیک در سطح شهر) ۳. افزایش تجملات و به رخ کشیدن در ساخت و ساز (وجود ساختمان‌های بلندمرتبه با نماهای سنگ، شیشه و... که تداعی کننده قدرت هستند، و حس برتر بینی را در افراد تقویت می‌کنند) ۴. کم‌رنگ شدن مشارکت مردم در آبادی شهرها (فردگرایی) ۵. مورد تهدید قرارگرفتن حقوق افراد ۶. افزایش املاک‌ها و بنگاه‌های معاملاتی و یا شاخص شدن برخی کاربری‌ها نظیر بنگاه مسکن ۷. ناهمگونی کاربری‌های همجوار ۸. کمبود کتابخانه ۹. افزایش مراکز اقتصادی نظیر بانک‌ها و نماد شدن ۱۰. عدم نظارت بر کار سازمانها جهت جلوگیری از تخلف‌های تراکم ساخت
نادان شهر (دین)	۱. رشد بیش از حد مراکز تفریحی کاذب (مثل بازی‌های کامپیوتری و این قبیل) ۲. افزایش رستوران‌ها و فست فودها که در غالب تفریح و گذران فراغت جامعه را مصرفی و سلامت را از جامعه سلب کرده است. ۳. کمبود مسجد ۴. عدم توجه به شاعر دینی ۵. رشد بیش از حد مراکز اجتماعی ناکارآمد ۶. افزایش بیش از حد پارک و بوستان ۷. کمبود مراکز عبادی و دینی ۸. نبودن کتابخانه ۹. ناهمگونی کاربری‌های همجوار ۱۰. افزایش نامطلوب مراکز خرید به جای فضاهای تولیدی ۱۱. کمبود فضاهای برای فعالیت‌های فکری مانند فضای کتابخانه، آزمایشگاه، پارک علم و تکنولوژی
نادان شهر (فرهنگ)	۱. افزایش بی‌رویه ساختمان‌های بلند ۲. تشخیص کالبدی هر بنا نسبت به بنا مجاورش ۳. نبود انسجام اجتماعی در شهر ۴. تجمل طلبی ۵. عدم توجه به بافت و فرهنگ منطقه قرارگیری در ساخت‌وساز ۶. افزایش نورپردازی‌های افراطی در نماها ۷. افزایش فرم‌های متنوع و عجیب جهت ایجاد جلب توجه ۸. عدم قوانین نصب تابلو در شهر ۹. استفاده از مصالح غیر بومی
نادان شهر (قدرت)	۱. افزایش بی‌رویه ساختمان‌های بلند و عدم توجه به قوانین شهرداری و تراکم‌های مجاز ۲. غلبه هویت فردی بناها بر هویت جمعی محله ۳. بی‌اعتنایی به روابط و حقوق همسایگی ۴. ضرر به دیگران (مالی، روحی، اجتماعی) در ساخت‌وساز ۵. وجود افراد از قشر یا صنف خاص
نادان شهر (تفریح)	۱. عدم تفکیک‌پذیری فضاها ۲. حس ناامنی ۳. رعایت نکردن حفظ حریم و سلسله مراتب ۴. بی‌توجهی به اصل عفاف در فضای شهری ۵. فردگرایی ۶. ناهمگونی کاربری‌های همجوار ۷. عدم همگونی سطح اقتصاد افراد ۸. عدم توجه به طرح جامع نورپردازی ۹. تنوع رنگ مصالح نماها و نورهای نما در شب ۱۰. عدم روشنائی مناسب در پارک‌ها

مدینه جاهلیه (نادان شهر)

اصل آزادی و مساوات به نحو کامل برقرار است. در بین مدینه‌های جاهلیه، این مدینه تنها مدینه‌ای است که غایت ثابتی ندارد و مجموعه‌ای از افراد کثیرالذات را گرد آورده است و بی‌جهت نیست که فارابی آن را شهر تضاد می‌نامد. مردم این مدینه دارای خلق‌ها و خصائل متفاوت‌اند؛ هرکس برحسب فطرت خود به راهی می‌رود و پاک و پلید، هر دو ساکن این شهرند. فارابی این مدینه را به لباس رنگارنگی تشبیه می‌کند که جلوه‌های محبوب و دوست‌داشتنی دارد و مردم از اقصانقاط عالم به سوی این اجتماع مدنی مهاجرت می‌کنند. نسل‌ها را در هم می‌آمیزد و نژادها و فرهنگ‌های جدید در آن پدیدار می‌گردد. این افزایش جمعیت و تنوع آن بر آبادانی و توسعه شهر می‌افزاید و موجب جمال و تعالی افزون‌تر آن می‌گردد. با آنکه مدینه جماعیه هنوز از اصناف مدینه جاهلیه است و تهیه وسایل ارضای تمایلات و شهوات، غایت سیاست آن به شمار می‌رود، نگرش فارابی به این اجتماع مدنی مثبت و امیدوارانه‌تر از دیگر مدینه‌هاست. به علت ماهیت آزادی‌پرور این مدینه بر خلاف دیگر اصناف مدینه جاهلیه، بیشترین اشخاص فضیلت‌مند، دانا، خطیب و شاعر را در خود جمع کرده است (ملک‌شاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲). همه صفاتی که در نادان‌شهرهای قبلی گفته شد، در این نادان‌شهر دیده می‌شود. این مدینه به طوایفی تقسیم می‌شود؛ بعضی شریف و بعضی خسیس. مردم این مدینه از رئیس نفعی نمی‌برند، بلکه به او مال هم می‌دهند. چون مردم زندگی در این مدینه را دوست دارند، جمعیتش افزایش می‌یابد؛ گویی در یک مدینه، مدینه‌های مختلف پدید آمده و غریب و مقیم در این مدینه فرقی ندارد (داوری اردکانی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۳).

۳. تنظیم شاخصه‌های نادان‌شهر فارابی

از تحقیق و تفحص در متون مربوط به نادان‌شهرهای فارابی می‌توان ویژگی‌هایی استخراج کرد که قابلیت تبدیل به ویژگی‌های کالبدی را دارند. لذا در این پژوهش پس از پیمایش پرسشنامه دلفی ارزیابی و نظرات چندی از کارشناسان و پژوهشگران این حوزه در مقطع دکتری معماری اسلامی بهره برده شد و شاخصه‌هایی به عنوان نمود کالبدی نادان‌محلله‌های شهرهای معاصر در جدول زیر تدوین و طبقه‌بندی گشت که می‌توان با استفاده از این شاخص‌ها و آمارهای موجود و سرانه مطلوب هر کاربری در محلات (جدول شماره ۶ و ۷) به افزایش یا کمبود شاخص‌ها پی برد (جدول‌های سرانه‌ها در پیوست آمده است).

باور داشته باشد که مرفه‌ترین فرد مدینه، کریم‌ترین آنان نیز هست، هدف خود را در تحصیل ثروت خواهد جست. برخی دیگر کرامت را در نسب و خون و پاره‌ای در قهر و غلبه جست‌وجو می‌کند. به این ترتیب چنین به نظر می‌رسد که فارابی در سیاست المدنیه و آراء، مدینه‌ها را بر حسب اینکه رفاه یا غلبه یا لذت را هدف خویش قرار دهند، آنها را از اصناف مدینه‌های جاهلیه برمی‌شمارد. در این مدینه هدف سیاست کسب افتخار و بزرگ‌نمایی است و ماهیت قوانین در جهت تسهیل و تحصیل این غایت تکوین یافته است (ملک‌شاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳). این مدینه نزدیک به مدینه فاضله است. اگر کرامت به حد افراط برسد، این مدینه به شهر جباران شبیه، و نزدیک به شهر قدرت می‌شود (داوری اردکانی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۷)؛

ه) نادان شهر قدرت: غایت اهل مدینه تغلبه قاهریت و عدم مقهوریت و لذت آنان در کسب قدرت است. فارابی سیاست این مدینه را بدترین سیاست اصناف مدینه جاهلیه برمی‌شمرد. ساختار درونی مدینه تغلبه بر شالوده سلسله‌مراتب استبداد و زور استوار است و از رأس هرم تا ساق‌های آن، رابطه غلبه و قاهریت قدرتمند و مقهوریت ضعیف‌تر به پایین ریزش می‌کند. مردم این مدینه در خارج از مرزهای آن ملتی جنگ‌افروز، متجاوز و توسعه‌طلب و خواهان غلبه بر جان، مال، شخصیت و آزادی دیگر آدمیان‌اند و گویی آزادی و آزادگی امت‌های دیگر را نشانه رفته‌اند. غایت قصوای حیات اینها غلبه فی‌نفسه است و اشد لذتشان در خونخوارگی افزون‌تر. ویژگی اخلاقی اهل مدینه تغلبه بی‌رحمی، ستمگری، غضب و غارت است و در واقع دیگر اسباب لذت اعم از کرامت، ثروت و لذایذ جسمانی را از راه سلطه و پیروزی به چنگ می‌آورند (ملک‌شاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵). وسایل غلبه، یا نفسانی است یا جسمانی و یا به وسیله اسلحه. در این مدینه یا همه اهالی طالب غلبه هستند یا بعضی از اهالی یا صرفاً یک نفر متغالب است. اگر توجه کنیم، مدینه‌های دیگر نیز گاه صورت تغلبی به خود می‌گیرند. می‌توان گفت برای تشخیص آنها باید به غرض توجه کرد و اگر تغلب را به اعتبار اینکه غایت یا وسیله است، منظور بداریم باز سه نوع شهر قدرت پیدا می‌کنیم. شهر قدرتی که قهر در آن مطلوب لذاته است؛ قهر را برای لذت، و در عین حال لذت و نفع و قهر را با هم می‌خواهد و برای مثال، نفع بی‌قهر را نمی‌پذیرد (داوری اردکانی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹)؛

و) نادان شهر شهوت: فارابی مدینه جماعیه را به دو نام مدینه «احرار» و مدینه «تضادها» می‌خواند. در این بهترین مدینه بعد از مدینه فاضله، هر یک از اهالی آزاد و مختار است تا هرگونه غایتی برای خود برگزیند و برای تحصیل آن نیز هر وسیله‌ای را بگیرد. مدینه جماعیه شهر بروز بواطن اعم از نیک و بد و محل رشد هرگونه استعداد، فضیلت یا رذیلتی است. در این مدینه دو

مدینه‌های جاهلیه را توجه و بسنده کردن به حیات مادی و غفلت از حیات اخروی می‌داند. در این شهر سعادت به پایین‌ترین معنای خود تقلیل می‌یابد؛ نیروهای درونی نادیده گرفته و از خود تهی می‌شوند (داوری اردکانی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶). پیگیری و طلب خوشبختی در بیرون از حیطه وجود انسان، اگر در سطحی کلان قرائت شود، سر از آنجا درمی‌آورد که شهر قدرتمند به حقوق مدینه‌های دیگر دست‌اندازی و تطاول کند تا بتواند خوشبختی و کامروایی شهروندان خود را تأمین کند. اهالی این شهر به فضایل اخلاقی نمی‌اندیشند و نیازی به فضیلت در خود احساس نمی‌کنند. در بین مردم این مدینه حرف از عدل و دوستی و آزادی و تساوی و... می‌شود، اما چون این امور جنبه ابزاری دارند، برای رسیدن به حیات مطلق و غیر مشروط، میان تهی و غیر حقیقی اند (حکمت، ۱۳۸۹، ص ۲۵۷).

ب) نادان شهر ثروت: اهل این مدینه غایت قصوای حیات خویش را در کسب ثروت هر چه بیشتر و تکاثر اموال گرفته‌اند. زبان ارتباطی، فلسفه، منطق، کلیه مناسبات و فعالیت‌های انسانی، تعاون و معاضدت شهروندان همه در کسب، نمایش و افزایش ثروت متمرکز شده است. ماهیت سیاست در این مدینه و علم و تدبیر مدن نیز به منظور حمایت از همین خواسته است. پیشه بیشتر مردم این مدینه تجارت است و همگی در کار خرید و فروش هر نوع و هر قلم کالا، اعم از سیاست و فرهنگ و هنر و شخصیت آدمیان اند. نکته مهم اینکه همه اهالی این مدینه عاشق پول فی نفسه‌اند، نه اینکه آن را در کسب دیگر خیرات حیات اول (مادی) به کار گیرند (ملک‌شاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹).

ج) نادان شهر لذت (لذت مادی): غایت قصوای اهل این مدینه لذت است و حیاتشان مصروف کسب لذایذ جسمانی و تخیلی، از ماکول و مشروب و منکوح و هزل و طرب به هر نحو ممکن می‌شود. این وضعیت مردمان مدینه‌ای چنین لذت‌گرا، مورد غبطه و رشک اصناف دیگر مدینه‌های جاهلیه است. به نظر می‌رسد تأکید خاص فارابی بر وجود چنین مدینه‌ای با ماهیت لذت‌طلبی و هزل و بی‌عاری و مطایبه با شهروندانی عیش و نوش طلب و خوش‌گذران، از ابداعات فکری خود اوست (ملک‌شاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳)؛

د) نادان شهر شهرت: اهالی شهر شهرت، عاشق کسب افتخار و شهرت در میان دیگر ملل و خواستار تشخص و تمایز در میان دیگر مدینه‌ها و طالب اکرام‌اند. به گمان فارابی اهل این مدینه بر حسب اینکه نیل به این غایت قصوای حیات خود را در تحصیل کدام شیء بیابند، در اصناف مدینه‌های کرامتیه گرد می‌آیند. آن گروه که جلال و افتخار و بزرگی را در ثروت و در یسار بیابند و

جدول شماره ۴. انواع مدینه‌ها از دیدگاه ابونصر فارابی
(مأخذ: محتشم امیری، ۱۳۹۳)

مدینه فاضله	آن مدینه که مقصود حقیقی از اجتماع در آن تعاون بر اموری بود که موجب حصول و وصول به سعادت آدمی است، مدینه فاضله است.
مدینه جاهلیه	مدینه ضروریه
	مدینه بداله (ثروت)
	مدینه شقوت (لذت مادی)
	مدینه کرامت (شهرت)
	مدینه تغلبیه (چیرگی یابی)
انواع مدینه از منظر فارابی	مدینه جماعیه (شهوت)
	مدینه فاسقه
	ساکنان این مدینه آگاهی و علم به راه‌های تعالی انسان را دارند، اما به آن عمل نمی‌کنند و به همان نیازهای فیزیولوژیک و جسمانی و دنیوی انسانی همت می‌گمارند (عالمان بی عمل).
	ساکنان این مدینه در ابتدا بر عقاید و افعال مدینه فاضله هستند، اما به مرور زمان با ورود عقاید وارداتی، این مدینه و عقاید مردمش تبدیل می‌یابد و واژگون می‌گردد و به فعلی غیر از افعال گذشته مبادرت می‌ورزند.
	مدینه مبدله
	شهری که باورهای مذهبی از پایه و اساس آن فاسد و نادرست و کاذب باشد.
	مدینه ضاله

۵-۲. گونه‌های نادان شهر فارابی

الف) نادان شهر ضرورت (تن پروری - تن آسایی): بسنده کردن به حداقل ضروریات زندگی و اقتصاد به اشیایی از ماکول و مشروب و ملبوس و مسکون و منکوح، که قوام بدن محتاج به آنهاست، صفت ماهوی اهل این مدینه است. اهل این شهر سلامت تن را خیر می‌دانند و بدبختی و شقاوت را همان آفات تن و محرومیت از لذایذ جسمانی می‌دانند و تنها ظاهر را می‌بینند (ملک‌شاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹). طبعاً انسان و همه متعلقات او یعنی دانش، تفکر، تعقل، فرهنگ، سیاست، اخلاق و هنر و فضیلت و صنعت و... تبدیل به ابزاری می‌شود در راستای حفظ حیات او. از لحاظ خصوصیت رفتاری، خلق و خوی مشترک در میان اهل این مدینه، تشبث به حيله و تزویر برای کسب حداکثر این خواسته‌هاست. فارابی مدینه ضروریه را متضاد مدینه فاضله می‌داند و وجه مشترک همه اهالی

الف) فارابی مدینه فاضله را مدینه‌ای می‌داند که اولاً مردمانش راه نیل به سعادت را شناخته، در مسیر آن با اخلاق فاضله گام بر می‌دارند؛ ثانیاً رئیسش مردم را در همان مسیر سعادت هدایت می‌کند؛ ثالثاً در پرتو شناخت صحیح مردم از مبدأ و معاد و نبوت، یکی از ارکان اصلی دین است؛ ب) مدینه جاهله، جامعه‌ای است که مردمش نه سعادت را شناخته‌اند و نه چنین چیزی به ذهنشان خطور کرده است. اگر هم به سعادت حقیقی رهنمون شوند، نه آن را می‌فهمند و نه به آن معتقد می‌شوند؛ تنها برخی امور را که به ظاهر خیر و خوبی پنداشته می‌شود، مانند تندرستی، بهره‌وری از لذات، آزادی در خواست‌های نفسانی و مورد احترام و تعظیم قرار گرفتن، سعادت می‌پندارند؛

ج) مدینه فاسقه، جامعه‌ای است که مردمش به اصول فاضله اعتقاد دارند و به نوعی آن را تصور کرده‌اند و به افعالی که موجب سعادت است راهنمایی شده‌اند و آن را می‌شناسند؛ ولی به هیچ‌یک عمل نمی‌کنند و طبق خواست‌های نفسانی به هدف‌های جامعه جاهلی تمایل یافته، به سمت آن می‌روند. از این رو می‌توان آن را نوعی جامعه مبدله به شمار آورد؛

د) مدینه ضاله: در این جامعه برای مردم امور دیگری غیر از اصول فاضله بیان شده است. سعادت تعریف شده برای آنان غیر از سعادت حقیقی است و افعال و آرای وضع شده، آنان را به سعادت حقیقی نمی‌رساند. رئیس چنین جامعه‌ای فاقد فضیلت و حکمت است و با نیرنگ، فریب و ظاهرسازی، چنین می‌نماید که به من وحی می‌شود؛

ه) مدینه مبدله یا متبدله: این جامعه در گذشته فاضله بوده است؛ ولی دگرگون شده و رفتار و اندیشه‌هایی غیر از جامعه فاضله در آن رخنه کرده و به جامعه غیرفاضله تغییر هویت داده است.

۲-۳. زیست اجتماعی و اخلاق

درباره علت زیست اجتماعی بشر و متعاقب آن پیدایش دولت، از دیرباز تاکنون نظریات مختلفی مطرح شده است. نظریه طبیعی ارسطو، نظریه «زور و جبر» ابن خلدون، نظریه قرارداد اجتماعی هابز، نظریه اخلاقی هگل و نظریه اقتصادی مارکس، از مهم‌ترین آموزه‌هایی هستند که درباره چگونگی پیدایش اجتماع و دولت بیان شده‌اند. فارابی در کتاب السیاسه المدنیه به تبیین زندگی اجتماعی بشر می‌پردازد. وی در این باره می‌گوید: انسان از جمله موجوداتی است که به طور مطلق نه به حواجیح اولیه و ضروری زندگی خود می‌رسد و نه به حالات برتر و افضل؛ مگر از راه زیست گروهی و اجتماع گروه‌های بسیار در جایگاه و مکان واحد و با پیوستگی به یکدیگر. فارابی در این دیدگاه خود رفع حواجیح اولیه و رسیدن به کمالات برتر را که از راه تشکیل اجتماع امکان‌پذیر است، علت عمده تشکیل اجتماع معرفی می‌کند. دیدگاه فارابی شبیه دیدگاه ارسطوست؛ زیرا وی در کتاب آراء اهل مدینه فاضله به شکلی واضح‌تر می‌گوید:

هریک از آدمیان بر سرشت و طبیعتی آفریده شده‌اند که هم در قوام وجودی خود و هم در نیل و وصول به برترین کمالات ممکن خود محتاج به اموری بسیارند و هر یک به تنهایی نتوانند مکفّل انجام همه آن امری از مایحتاج آن بود و هر یک از افراد انسان وصول به کمالی که فطرت طبیعی او برای وی قرار داده است ممکن نباشد مگر به واسطه اجتماع و تجمع گروه‌های بسیار که یاری‌دهنده یکدیگر باشند.

از نظر فارابی زندگی در اجتماع وسیله است نه هدف. هدف، رسیدن به کمال است که سعادت دنیا و آخرت به وسیله آن تأمین می‌شود؛ سعادت‌تی که به جز زیست گروهی، منوط به پابندی به اصول و مکارم اخلاقی است. بنابراین علت پیدایش زیست اجتماعی از نگاه فارابی را باید در یک هدف اخلاقی که همان دستیابی افراد جامعه به بالاترین ارزش انسانی (سعادت اخلاقی) جست‌وجو کرد.

۲-۴. تب‌بندی جوامع و اخلاق

معیار اصلی فارابی در تقسیم مدن و نظام‌های سیاسی و اجتماعی بر اساس نوع برداشت و نگرش به مفهوم «سعادت» از سوی مردمان مدن است. فارابی نیم‌رخ اخلاقی از جوامع ترسیم می‌کند و اجتماعات انسانی را برپایه شناخت و پی‌جویی سعادت حقیقی در یک طبقه‌بندی ارزشی، به جوامع فاضله، جاهله، ضاله، فاسقه و متبدله تقسیم می‌نماید (اردکانی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۳).

۲-۲. نگاهی به مفهوم شهر و شهرنشینی از دیدگاه فارابی

از دیدگاه فارابی ذات هر یک از مردم بر این سرشته شده است که در پایدار ماندنش و رسیدنش به کمال نیازمند چیزهای بسیاری است که خود او نمی‌تواند به تنهایی به همه آن پردازد و به ناچار نیازمند گروهی است که هر کدام از ایشان به بخشی از نیازمندی‌هایش پردازند تا از آن همکاری‌ها کمال پدید آید.

نشانه‌های زندگی اجتماعی از نظر فارابی بدین قرار است:

۱. افراد و گروه‌های بسیار، ۲. مکان واحد، ۳. پیوستگی و ارتباط با یکدیگر، ۴. هدف‌داری. فارابی رسیدن به کمال نهایی انسان را در راستای همکاری و تشکیل اجتماعات می‌داند تا افراد به یکدیگر یاری رسانند. وی به عوامل مختلفی از جمله ذات و سرشت طبیعی مدنی انسان، نیاز به تعاون جهت رسیدن به کمال و نیاز به تعاون برای برآورده شدن نیازهای طبیعی به عنوان مواردی که موجب شکل‌گیری اجتماعات نخستین می‌شوند، اشاره می‌کند (داوری اردکانی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸).

۱-۲-۲. اجتماعات کامل و غیرکامل

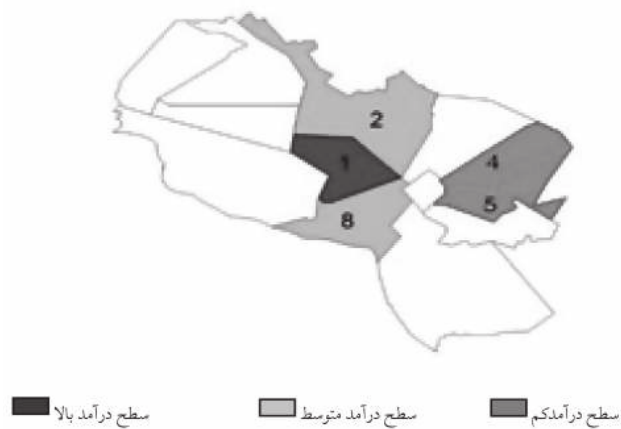
فارابی اصطلاح اجتماع کامل را بر سه نوع عظماء، وسطاء و صغراء می‌داند که این اجتماعات به ترتیب در قسمت معموره زمین، جزئی از آن و بخشی از محل سکونت یک امت مستقرند. وی همچنین اجتماعات غیرکامل را به اهل ده، محله، کوی و منزل تقسیم می‌کند.

جدول شماره ۳. انواع اجتماعات به لحاظ جمعیتی از دیدگاه فارابی (مأخذ: محتشم امیری، ۱۳۹۳)

عظماء	جماعات در قسمت معموره زمین	اجتماعات کامل	انواع اجتماعات
وسطاء	اجتماع امتی در بخشی از قسمت معموره زمین		
صغراء	اجتماع مردم یک مدینه		
اهل ده		اجتماعات غیرکامل	
اجتماع مردم محله			
اجتماع در یک کوی			
اجتماع در منزل			

۳-۱. محدوده مورد مطالعه

انتخاب محله «پنج تن» و «سجاد»، با توجه به قرارگیری دو محله در دو دهک اقتصادی پایین و بالا صورت گرفت تا با مقایسه دو محله، تأثیر طبقات اقتصادی در پدید آمدن برخی مشکلات روشن شود.



۲. مبانی نظری

۲-۱. فارابی و گردهمایی های آدمیان

فارابی گردهمایی آدمیان را بر چهار نوع می داند: ۱. آرمان شهر، ۲. نادان شهر، ۳. دروند شهر، ۴. گمراه شهر. او نورسته ها و انگل هایی را که در آرمان شهر پدیدار خواهند گشت «نوابت» می نامد و پدید آمدن آنان را در آرمان شهر به روییدن چچم و شلمک در گندمزار یا رشد خار نورسته و زیان بخش در میان گشت زار همانند می کند و بر این باور است که باید این گونه شهروندان نادرست و ناراست را در آرمان شهر به یک سو نهاد؛ آدم نمایانی که با جانوران هم سنگ اند و از هر سو همانند آنها خواهند بود، شهری نخواهند داشت و هرگز برای آنان گردهمایی شهری نخواهد بود. این جماعت برخی مانند حیوانات اهلی و برخی همانند جانوران صحرائی چون درندگان می زیند و با این آدم نمایان همان کاری را می کنند که با حیوانات زیان بخش خواهند کرد. از دیدگاه فارابی هرگاه با چنین آدم نمایانی روبه رو شویم سزاوار است با آنان همانند جانوران رفتار کنیم (ملک شاهی، ۱۳۸۹، ص ۸۵).

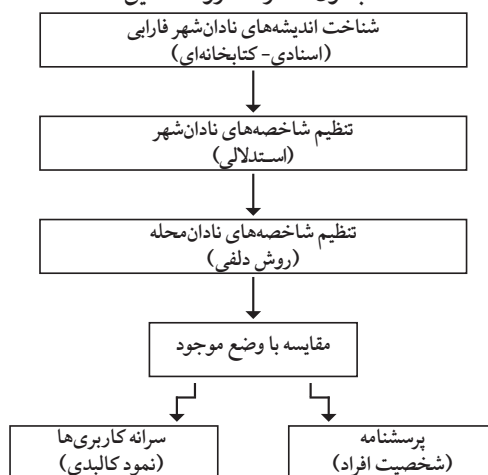
با موردپژوهی (به وسیله پرسشنامه در دو محله مشهد) بهره برده شده است. انتخاب محلات بر اساس سطح درآمد و اقتصاد مردم محله بوده که به عنوان معیاری از طرف سازمان مسکن و شهرسازی شهر مشهد برای ارزیابی نابرابری اقتصادی (طبقات اقتصادی) انتخاب شده و این معیار به دسته‌بندی مناطق سیزده‌گانه مشهد به پنج سطح درآمدی انجامید؛ به گونه‌ای که منطقه ۱ (سجاد و احمدآباد) بالاترین سطح درآمد و مناطق ۴ و ۵ کمترین سطح درآمد را به خود اختصاص دادند (جدول شماره ۱). لذا برای این تحقیق بالاترین و پایین‌ترین دهک اقتصادی انتخاب شده است.

جدول شماره ۱؛ پنج سطح درآمدی شهر مشهد

منطقه	سطح درآمد
۱ (سجاد - احمدآباد)	۱
۹ (هاشمیه - سیدرضی)	۲
۸ - ۲	۳
۷ - ۶ - ۳	۴
۵ - ۴	۵

انتخاب شاخصه‌ها و اصول از دو اثر اندیشمند برجسته مسلمان، ابونصر فارابی، صورت گرفته است. سیاست‌مدانیه و آراء اهل‌مدینه فاضله دو اثری هستند که این حکیم مسلمان در آنها به ویژگی‌های شهرهای مختلف اشاره کرده و برای استخراج صفات نادان‌شهرها در این مقاله، از آنها بهره برده شده است. برای تبدیل صفات به نمود کالبدی در شهر و تنظیم شاخصه‌های نادان‌محله‌ها از روش دلفی و نظر کارشناسان استفاده شده است.

جدول شماره ۲. روند تحقیق



تأثیری بسزا بر خلق و خوی شهرنشینان و در نتیجه ویژگی‌های شهر می‌گذارد.

رسیدن به کمال نهایی انسان از جمله نتایجی است که در شهر مطلوب فارابی تبلور می‌یابد؛ شهری که به مثابه بدنی سالم و همگام با نظام تکوینی عالم هستی، تجلی انتظام حقیقی، وحدت و نظام سلسله مراتب است؛ فضایی که همه اعضا برای پایدار ماندن آن با یکدیگر همکاری می‌کنند. بنابراین یا مردم همه در سعادت‌اند یا همه در رنج و مشکل. سرنوشت یک فرد به خود او ختم نمی‌شود، بلکه کل جامعه در سعادت و یا شقاوت شهر، نقشی مهم و مؤثر دارند (محتشم امیری، ۱۳۹۳).

۱-۱. پیشینه تحقیق

در باره ارتباط فارابی، مدینه فاضله، عدالت و روش‌شناسی با زندگی انسان‌های معاصر و آرمان‌شهر اسلامی، پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله مقاله سعیده محتشم امیری با عنوان «بررسی صفات شهر مطلوب اسلامی از منظر حکیم ابونصر فارابی» که در آن می‌توان به صفات شهر مطلوب اسلامی از منظر این حکیم برجسته مسلمان دست یافت و در پی طراحی الگوی شهر اصیل اسلامی ایرانی است.

همچنین است رساله مرتضی بحرانی با عنوان «شیوه‌های زندگی انسان‌های فاضل در مدینه‌های غیرفاضله» که در آن پرسش‌هایی از این دست مطرح شده است: اگر در مدینه‌های غیرفاضله، انسان‌های فاضل، منفرداً بخواهند زندگی فاضلانه‌ای داشته باشند، چه سبکی از زندگی می‌تواند سنگ‌بنای زیست آنها باشد؟ در پاسخ به چنین پرسشی، فارابی گزینه‌هایی چون رفتن از مدینه غیرفاضله به مدینه فاضله، زیست غریبانه در مدینه غیرفاضله و یا تسلیم مرگ شدن به جای زندگی در مدینه غیرفاضله را پیش می‌کشد.

اما در بیشتر پژوهش‌ها، هدف پژوهشگران جمع‌آوری و دسته‌بندی ویژگی‌های آرمان‌شهر بوده و از مدینه‌های جاهلیه فارابی به‌ندرت یاد شده است؛ لذا برای یافتن و تحقیق و تفحص در موضوعات نادان‌شهرها باید به متون کتاب‌های فارابی مراجعه شود. جامع‌ترین کتاب درباره نادان‌شهرها سیاست‌المدنیه و آراء اهل مدینه فاضله است که در این پژوهش با استناد به این دو سند معتبر، شاخص‌ها انتخاب شده‌اند.

۱-۲. روش تحقیق

در این پژوهش از روش‌های اسنادی (کتابخانه‌ای)، تحلیل محتوای متن و روش دلفی همراه

است تا با رویکردی ویژه و مشخص و به زبانی گویا به ویژگی‌های نادان شهرهای فارابی اشاره گردد.

بنابراین با توجه به ویژگی‌های کالبدی نادان محله‌ها که با استفاده از تحلیل متون و روش دلفی به دست آمد، و سنجش آنها با سرانه‌های مطلوب کاربری‌ها در محله، می‌توان به نارسایی‌ها و دلایل پدید آمدن نقص‌های شخصیتی و تفکر افراد پی برد. مهم‌ترین بخش پژوهش، به دست آوردن نمود کالبدی صفات نادان شهر فارابی و ارتباط کالبد با تفکر و شخصیت افراد ساکن در محله است که با پرسشنامه سنجیده می‌شود.

کلیدواژگان: فارابی، نادان شهر، نادان محله.

۱. مقدمه

امروزه شهرها از چنان اهمیتی برخوردارند که رابرت پارک، بنیان‌گذار مکتب اکولوژی شهری شیکاگو، شهر را «کارگاه تمدن بشر» نامیده است. به عبارتی شهرها جلوه‌گاه تمام‌نمای شکوه و نزول جوامع در طول تاریخ به شمار می‌آیند. از این رو بررسی این شکوه و نزول از دیدگاه فارابی، که از جمله بنیان‌گذاران فلسفه اسلامی نیز هست، خالی از لطف نیست.

فارابی را می‌توان معمار طاق و رواق فلسفه اسلامی دانست. عبدالله نعمه می‌نویسد: «هیچ فکری در فلسفه اسلامی نیست، مگر آنکه ریشه‌اش در فلسفه فارابی باشد». سید حسین نصر درباره وسعت نظر و اهمیت فارابی چنین شاهد می‌آورد که «از منطق تا عرفان تا فلسفه اولی تا فلسفه سیاسی همه، در زیر شهبان اندیشه فارابی قرار گرفته‌اند» (کرمانی، ۱۳۷۶، ص ۳). از آنجاکه فارابی به عرصه‌های مختلف فلسفی و فکری به طور تخصصی وارد شده و در بسیاری از آنها از جمله اخلاق، هنر و دین استاد شده و نظریه‌پردازی کرده است، لذا اندیشه‌های وی برای معماران و شهرسازان درخور تأمل خواهد بود. فارابی گونه‌هایی از جامعه‌های غیرآرمانی را وصف و اندیشه‌های شهروندان آنان را مطرح کرده و از این رو گروهی از پژوهشگران برآنند که او با این کار، جامعه خود را به نقد کشیده و در صدد اصلاح آن برآمده است (جمشیدنژاد، ۱۳۸۸، ص ۲۸). از منظر فارابی کالبد شهر و شکل و شمایل ساخت‌وسازها تأثیری بر اصل مدنیت شهر ندارند. وی کالبد شهر را مقوله‌ای «بالعرض» می‌داند که نقش چندانی در تحولات و فرایندهای مدنی ندارد؛ اما از سویی دیگر جغرافیای محیطی را در جهت‌گیری‌های مدنی امری مهم برمی‌شمرد که

بررسی و تطبیق صفات نادان شهرهای فارابی با شهرها و محله‌های معاصر (شهر مشهد)

وحیده فکری

دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، رشته معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، ایران، مشهد

raha_f41@yahoo.com

مهدی حمزه‌نژاد

دکترای معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران، ایران، تهران

hamzenejad@iust.ac.ir

چکیده

حکیم ابونصر فارابی، در دو اثر بسیار مهم و ارزشمند خویش، سیاست المدینیه و آراء اهل مدینه فاضله به ویژگی‌هایی در شهرها و ساکنان شهرها اشاره کرده است. وی برای نخستین بار در تاریخ فلسفه اسلامی، از شهری آرمانی و از خصایص اجتماع مدنی سخن به میان می‌آورد. این پژوهش به دنبال ارتباطی است میان نادان شهرهای فارابی و نادان محله‌های امروز، که آیا می‌توان این دورا با هم تطبیق داد یا خیر؟ اگر می‌شود، نمود کالبدی و شخصیتی صفات نادان شهرها و مردم آن چگونه است؟ همچنین می‌توان از خلال آنها و تحقیق و تفحص در متن موضوعات آن، و با بررسی و تطبیق نشانه‌ها با شهرهای معاصر، نقدی بر امروز داشت. لذا هدف این تحقیق شناسایی دقیق ویژگی‌های کالبدی نادان شهرها بر اساس جست‌وجوی متنی و تطبیق آن با شهرهای معاصر جهت نقد وضع موجود نیز می‌باشد. در این پژوهش که در آن از روش‌های اسنادی (کتابخانه‌ای)، تحلیل محتوای متن، روش دلفی و پرسشنامه از دو محله مشهد بهره برده شده، تلاش شده * این مقاله با هماهنگی دبیرخانه دانشی کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی در فصلنامه شماره دوازدهم تحقیقات بنیادین علوم انسانی منتشر شده است.

- دانشگاه شهید بهشتی.
۱۷. لنگ، جان (۱۳۹۴). آفرینش نظریه معماری. با ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. مازلو، آبراهام (۱۳۷۴). افق‌های والاتر فطرت. با ترجمه احمد رضوانی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۹. مازلو، آبراهام (۱۳۷۲). انگیزش و شخصیت. با ترجمه احمد رضوانی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۰. مازلو، آبراهام (۱۳۶۷). انگیزش و شخصیت. با ترجمه احمد رضوانی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۱. مازلو، آبراهام (۱۳۷۱). به سوی روان‌شناسی بودن. با ترجمه احمد رضوانی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۲. مازلو، آبراهام (۱۳۶۶). روان‌شناسی شخصیت سالم. با ترجمه شیوا رویگریان. تهران: هدف.
۲۳. مجتبی پور، رسول، (مترجم) (۱۳۸۷). سرشت معماری (مجموعه مقالات). تهران: نقش خورشید.
۲۴. مروتی، سهراب، و مینا یعقوبی (۱۳۸۹). نقد و بررسی نظریه انسان‌شناسانه مازلو با رویکردی بر آیات قرآن کریم. مطالعات قرآن و حدیث، ۷: ۷۷-۹۲.
۲۵. مصلح، و جواد مصلح (۱۳۸۵). ترجمه و تفسی شواهد ربوبیه. تهران: سروش.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مجموعه آثار شهید مطهری. انتشارات صدرا.
۲۷. نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۴). برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری. تهران: فکر نو.
۲۸. نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۹). معنادر معماری غرب. با ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.

منابع

۱. ارشدریاحی، علی، و حمیدرضا اسکندری (۱۳۹۱). "عوامل موثر بر تکامل نفس انسانی از منظر ملاصدرا." خردنامه صدرا (۷۰): ۵۵-۶۶.
۲. ارشدریاحی، علی، و حمیدرضا اسکندری (۱۳۸۹). "مراتب تکامل نفس از دیدگاه ملاصدرا." انسان پژوهی دینی. ۲۴: ۱۲۵-۱۳۷.
۳. تقدیر، سمانه (۱۳۹۶). تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی (۱۴): ۴۸-۶۹.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۶). ریح مختوم. تدوین توسط حمید پارسانیا. قم: اسراء.
۵. خداپناهی، محمدکریم (۱۳۸۸). انگیزش و هیجان. تهران: سمت.
۶. خواجوی، محمد (۱۳۸۰). ترجمه اسفار. تهران: مولی.
۷. شانظری، جعفر (۱۳۹۰). ترجمه المبدأ والمعاد. قم: نشر دانشگاهی قم.
۸. شریعتی، فهیمه، و کبری افشار (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی انسان خودشکوفای مازلوبا ویژگی‌های انسان در حکمت متعالیه، حکمت صدرایی. ۱: ۸۱-۹۶.
۹. شولتز، دوان پی، و سیدنی آلن شولتز (۱۳۸۴). نظریه‌های شخصیت. با ترجمه یوسف کریمی. تهران: نشر ارسباران.
۱۰. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۵۸). الواردات القلبیه فی معرفه الربوبیه. تدوین توسط احمد شفیعی‌ها. تهران: انجمن فلسفه ایران.
۱۱. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۸۳). الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقیلة الاربعة. تدوین توسط علی اکبر رشاد. جلد ۸. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۱۲. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۸۲). الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه. تدوین: سید مصطفی محقق داماد. تهران: بنیاد حکمت صدرایی.
۱۳. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۸۱). المبدأ والمعاد. تدوین: محمد ذبیحی و جعفر شاه نظری. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۱۴. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۶۳). مفاتیح الغیب. تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
۱۵. عبودیت، عبدالرسول (۱۳۹۱). درآمدی به نظام حکمت صدرایی. تهران: سمت.
۱۶. فن مایس، پی‌یر (۱۳۹۰). عناصر معماری از صورت تا مکان. با ترجمه فرزین فردانش. تهران:

توجه به مطالب پایه‌ای نیازهای انسان به درجات بالاتری از آن معطوف شده و در صورت اعمال این ویژگی‌ها در روند طراحی، خروجی به دست آمده انسان را هم از بعد مادی و رفتاری رشد می‌دهد و هم او را به درک مفاهیم عمیق معنوی می‌رساند.

افاضات ربانی	جذبه‌های الهی برای درک ذات واحد حق	سیر از کثرت به وحدت	مرکزگرایی، محوربندی، سلسله‌مراتب، برون تجلی درون، سیر از هندسه آفاقی به انفسی
محبت	محبت الهی، لطیف و نورانی	سیر به اهداف متعالی زندگی	زیبایی‌شناسی و تجلی صفات جمالی
حکمت	استفاده بجا از هرچیز با دانش قبلی	سیر به اهداف متعالی زندگی	کارکردگرایی و تجلی صفات جلالی
حریت	آزادگی	سیر به اهداف متعالی زندگی	اهداف ساختاری و تجلی عدالت در معماری

نتیجه‌گیری

ملاصدرا درباره انسان و حرکت جوهری او به سمت کمال به تفصیل سخن گفته و کمال نفس را در شدت وجود و قوت مدرکات دانسته است. وی درجات نفس انسانی را معین و راه طیّ این مسیر را نیز روشن ساخته است. از طرفی آبراهام مازلو نیز با روش استقرایی و علمی به نتایجی درباره کمال انسان و راه رسیدن به آن دست یافته است. این دو نظریه در قیاس با هم اشتراکات و تفاوت‌هایی دارند که اشتراکات در اصل موضوع، و تفاوت‌ها بیشتر در روش رسیدن به نتیجه، جهان‌بینی نظریه‌پردازان و همچنین عمیق‌تر بودن نگاه ملاصدرا به مسئله و در نظر گرفتن ابعاد از انسان که مازلو آنها را بیان نکرده است، می‌باشد. طراحی معماری هدفی ندارد جز بهتر کردن کیفیت زندگی انسان. بنابراین علم انسان‌شناسی کمک شایانی در روند طراحی و معیارهایی که باید مورد توجه قرار گیرند، برای تبدیل معماری به معماری کمال‌گرا، به شمار می‌آید. از طرفی برای بازگشت به سرچشمه‌های فرهنگ خودی باید علاوه بر در نظر گرفتن نظریات غربی که مقبولیت جهانی دارند، در فرهنگ خود به دنبال نتیجه بود. پژوهش حاضر بر اساس مظاهر استکمالی ملاصدرا و بیان نتایج پژوهش فرد استیل که برای هرم نیازهای مازلو ترجمانی در معماری یافته است، و همچنین با استفاده از استدلال منطقی به مفاهیم واسطه‌ای و سپس ترجمانی در نظام طراحی معماری رسیده است. براین اساس می‌توان گفت که معماری با تمام این ویژگی‌ها، یک معماری کمال‌گرا به شمار می‌آید و انسان را در مسیر استکمال قرار می‌دهد. با توجه به نتایج پژوهش در مقایسه با آنچه از مطالعات مازلو و فرد استیل برداشت شده، گویی بیان معماری الگوی استکمالی ملاصدرا علاوه بر

دیگران با درک ظاهری آن به معانی باطنی‌اش پی ببرند. این خلق می‌تواند در قالب محیط مصنوع و معماری باشد. بنا بر مراحل تکامل نفس از نظر ملاصدرا، نخستین مرحله استکمال توسط ادراکات ظاهری و پس از آن توسط ادراکات باطنی اتفاق می‌افتد و این یعنی محیط بر انسان اثر مستقیم دارد و می‌تواند او را در مسیر استکمال یا در جهت خلاف آن قرار دهد. اگر در معماری به اصول کمال‌گرا توجهی نشود، انسان تنها درگیر حواس ظاهری می‌شود و از سیر استکمال دور می‌ماند؛ اما این مطلب را که انسان‌ها در یک فضای واحد احساسات متفاوتی دارند، می‌توان به ادراکات انسان مربوط دانست که متناسب با مرتبه نفس او انجام می‌گیرد و در قالب صورت و معنا در خزانه‌ای که متصل به نفس اوست ذخیره می‌گردد (تقدیر، ۱۳۹۶).

بنابراین راه‌های بیان‌شده توسط ملاصدرا برای ارتقا مرتبه وجودی می‌تواند معماری را به معماری کمال‌گرا تبدیل کند. برای مثال استفاده از علم بر عالم واجب است تا علم درونی شود و این استفاده در معماری می‌تواند با مفهوم کلی سیر به زندگی مطلوب متناظر و برای مثال نمودی همچون استفاده از واپسین تکنولوژی در ساخت پیدا کند. اعمال و عبادات که شامل آداب شرعی و عبادت خفی و آشکار و تزکیه نفس است، در اصل برای گذر از ظاهر به باطن یا رسیدن از ظاهر به باطن است که می‌تواند به مفهوم‌گرایی در نمادها، اهمیت فضای داخلی بر توده، سامان‌بندی چشم‌اندازها، تعامل مکمل میان معماری و طبیعت در معماری ترجمان‌یابد (نقره‌کار، ۱۳۹۴). تمامی شش راهکار با مدد استدلال منطقی و تطبیق مطالعات با مفاهیم استنباطی در جدول زیر ترجمان معماری می‌یابد و می‌توان گفت ستون آخر جدول ویژگی‌های معماری کمال‌گراست.

جدول ۴. مظاهر استکمالی ملاصدرا و مفاهیم استنباطی از آنها و ترجمان‌شان در معماری
(منبع: نگارنده، بر اساس منابع مطالعاتی)

مظاهر استکمالی ملاصدرا	معانی مظاهر	مفاهیم استنباطی	ترجمان در نظام طراحی معماری (ویژگی‌های معماری کمال‌گرا)
علم و ادراک	استفاده از علم	سیر به سوی زندگی مطلوب	استفاده از تکنولوژی روز در ساخت و رفع تمام نیازها، مقیاس انسانی
اعمال و عبادات	آداب شرعی عبادت آشکار و خفی تزکیه نفس	سیر از ظاهر به باطن	مفهوم‌گرایی در نمادها، اهمیت فضای داخلی بر توده، سامان‌بندی چشم‌اندازها، تعامل مکمل میان معماری و طبیعت

۱-۵. مراحل خودشکوفایی و نمود آن در معماری

«چگونگی اثرگذاری یک محیط بر تصور انسان و چگونگی اثرگذاری این تصورات بر الگوهای رفتار فضایی» پژوهشی است که فرد استیل بر پایه مطالعات روان‌شناختی و الگوی استكمال انسانی مازلو انجام داده است. طی این پژوهش رفتار در ساختمان‌ها و شهرها فقط عملکردی از قرارگاه‌های رفتاری قابل مشاهده آن نیست، بلکه عملکردی از قرارگاه‌های رفتاری خارج از ادراک انسان نیز هست (لنگ، ۱۳۹۴). در ادامه، نتیجه این پژوهش که به طور خلاصه شامل نیازهای انسانی و نظام‌های اجتماعی - کالبدی مورد نیاز برای تأمین آنهاست، در قالب جدول بیان شده است.

جدول ۳. مظاهر استکمالی مازلو و مفاهیم استنباطی از آنها و ترجمان‌شان در معماری
(منبع: جان لنگ، ۱۳۹۴)

مظاهر استکمالی مازلو	مفاهیم استنباطی	ترجمان در نظام طراحی معماری
فیزیولوژیک	سرپناه و امنیت	سرپناه، دسترسی به خدمات
ایمنی	تماس اجتماعی	دسترسی به خدمات، خلوت، قلمروپایی، فضای قابل دفاع، جهت‌یابی
تعلق	تماس اجتماعی، هویت نمادین	دسترسی به خدمات، محسوط‌های اجتماعی، زیبایی نمادین
عزت نفس	رشد، لذت	شخصی‌سازی، زیبایی نمادین، کنترل
خودشکوفایی	رشد، لذت	انتخاب، دسترسی به امکانات رشد، کنترل
شناختی و زیبایی‌شناختی	رشد، لذت	دسترسی به امکانات رشد، زیبایی فرمی

۲-۵. الگوی تکاملی ملاصدرا و نمود آن در معماری

نخستین بحثی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آیا بر اساس این الگو، معماری و محیط انسان‌ساخت بر روند استكمال انسانی تأثیر دارد یا خیر؟ برای افرادی که تمامی حواسشان کار می‌کند، آثار معماری در درجه اول از طریق بینایی، استفاده از حس حرکت اعضای بدن و بر اساس زیبایی‌شناختی در حرکت حس می‌شوند (فن مایس، ۱۳۹۰، ص ۱۹). معماری همچون دیگر هنرها، پیوند ادراکات درونی و بیرونی انسان است؛ چراکه انسان می‌تواند با ادراکات ظاهری، معانی عمیق را در خود درونی کند و نیز با استفاده از ادراکات باطنی می‌تواند ظاهری بیافریند که

ملاصدرا	جهات افتراق	مازلو
روش فلسفی، عموماً برهاتی و قیاسی و رسیدن از کلیات به مصادیق و جزئیات	اختلاف روش ملاصدرا و مازلو	روش علمی، عموماً استقرایی و رسیدن از جزئه به کل
از ریشه ها و اسباب بحث می کند	کل نگری ملاصدرا و جزئه نگری مازلو	جزئیات بسیاری را از کنش ها و واکنش های افراد خود شکوفا ارائه می دهد
انسان را جداگانه و فارغ از هستی عالم نگاه نکرده است تا تفاوت انسان ها را به طور خاص بیان کند. او لطیف وجود و هستی انسان را در نظر گرفته	اختلاف ناشی از جریان وحدت وجود در نگرش ملاصدرا	دسته بندی او کاملاً جهت نشان دادن تفاوت انسانهاست فارغ از هستی
دسته بندی کلی ملاصدرا به نام حکمت و حریت، می تواند جامع آن چیزهایی باشد که به طور مفصل و جداگانه طی آثار مازلو دیده می شود	شمول بیشتر انسان اشتداد یافته ملاصدرا	در این دسته بندی جزئی خیلی از موارد جای داده نشده است
در حکمت متعالیه ملاصدرا وقتی نفس از پلیدی و زنگار گناهان و اخلاقی پست به سمت پروردگار رو آورد مورد عطا و بخشش واقع می شود و علوم در نفس او بدون هیچ شیوه متعارف ثبت می شوند و او پذیرای تمام حقایق می شود که آن را با اشاره ای از جانب علل عالی درک می کند	توجه ویژه ملاصدرا به عوالم برتر و عدم انحصار در دنیای محسوس	روان شناسی انسان گرای مازلو رگه هایی از اندیشه های فلسفی وجود دارد، اما هرگز نمی توان وجود و حضور عوالم دیگر را با ماهیتی شبیه به حکمت متعالیه یافت
انسان کامل خلیفه خدا و مجمع مظاهر اسمای الهی و کلمات تامه استاین جماعت که فلسفه، عرفان و علم النفس ملاصدرا با کلام پیوند می خورد	فاصله نقطه اوج انسان در نظر ملاصدرا با انسان خود شکوفا در نظر مازلو	اندیشه های مازلو از روان شناسی متعارف تجربی گام هایی بلندتر برداشته، اما در مرزهای خود باقی مانده است

شکل ۵. مدل تکاملی ملاصدرا: انسان اشتداد یافته درنوک هرم (منبع: نگارنده بر اساس منابع مطالعاتی) جداول ۱ و ۲. جهات اشتراک و افتراق نظریه استکمالی ملاصدرا و مازلو (منبع: نگارنده، بر اساس منابع مطالعاتی)

۵. تحلیل چگونگی تأثیر فرایندهای استکمالی معرفی شده بر طراحی معماری

معماری پدیده ای است ملموس شامل منظرها و سکونتگاه ها و بیان کننده شخصیت آنها؛ پس واقعیتی زنده است. بنابراین معماری فراتر از نیازهای معمولی با معنایی وجودی ارتباط دارد که از پدیده های طبیعی و انسانی و معنوی نشئت می گیرد و آنها را به صورت های فضایی ترجمه می کند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۹، ص ۱).

موضوعی و غایی وجود دارد. این مسئله کامل بودن نظریه ملاصدرا را نسبت به نظریه مازلو نشان می‌دهد و از طرفی جنبه علمی نظریه ملاصدرا را نیز تصدیق می‌کند. این نقاط اشتراک و افتراق به صورت خلاصه‌وار به همراه دیدگاه‌های دو اندیشمند در جداول ۱ و ۲ جمع‌آوری شده است.

ملاصدرا	جهت اشتراک	مازلو
طبقه بندی ساحت‌های وجودی انسان به ۴ دسته جمادی، نباتی، حیوانی و انسانی و استكمال انسان در طی حرکت از ساحت جمادی به انسانی	طبقه بندی نیازها	هرم ۵ طبقه نیازها از پایه فیزیولوژیک تا راس خودشکوفایی
وحدت وجود انسان با هستی	اعتقاد به شهود	به کار بردن اصطلاح تجربه اوج برای بیان این حالت
انسان متعالی از نیازهای دست پایین متوجه نیازهای والاتری شده که با حکمت و حریت به آن دست پیدا می‌کند	رضایت‌مندی از زندگی (معنا داری زندگی)	انسان خودشکوفای قادر است ضرورت‌ها را حفظ و به ارضای نیازهای دست بالاتر فکر کند
حریت حقیقی، رهایی از فرمادهی نفس اماره با پذیرش قیودی به منزله واجب و مستحب	اعتقاد به قوانین و پایبندی‌ها	کنترل‌های مطلوبی که رضامندی را افزایش می‌دهد
ترقی و سعادت برای همگان به شرط اعمال افعال پاک‌کننده نفس	فراخ بودن از قشر و طبقه	به رغم وجود نظریه هرم مازلو بعدها او اقرار داشت که طبق تجاربتش، خود شکوفایی فارق از قشر و طبقه و ملیت است.
حریت، به معنای حاکمیت بر نفس خود	حکمران خود بودن	مشابه بیان خود مختاری
تقسیم نیازها به دنیوی و آخرتی و بیان لذت واقعی در ارضای نیازهای آخرتی	تغییر در ملائکه لذات	درباره انسان خودشکوفای که قبلا نیازهای پایه اش ارضا شده فقط از برطرف کردن نیازهای والا لذت می‌برد.

به عزت و احترام نیاز به دانستن و فهمیدن، نیازهای زیبایی شناختی و سرانجام نیاز به خودشکوفایی (مازلو، ۱۳۷۴، ص ۸۴).

برخلاف نیازهای کاستی (مرتبۀ پایینی هرم) که وقتی ارضا شوند فروکش می‌کنند، نیازهای رشد در صورت ارضا شدن تشدید می‌شوند (وولف، ۱۳۸۶). این معیار همچنین گویای آن است که نیازهای اساسی افراد خودشکوفای به ایمنی، تعلق، محبت، احترام، عزت نفس و همین‌طور نیازهای شناختی‌شان همچون نیاز به دانش و فهم ارضا شده است یا حداقل آنان بر این نیازها غلبه یافته‌اند (مازلو، ۱۳۶۷، ص ۱۴).



شکل ۴. هرم نیازهای مازلو (منبع: مازلو) در سیر از کف به نوک هرم، تعداد افراد هر طبقه کمتر می‌شود

۴. جهات اشتراک و افتراق ملاصدرا و مازلو در مسئله استكمال انسان

با بررسی ویژگی‌های انسان در حکمت متعالیه و دریافت مراتب گوناگون در انسان بودن و مقایسه آن با ویژگی‌های انسان خودشکوفای در روان‌شناسی مازلو، می‌توان گفت این دو دیدگاه با سبک‌های متفاوتشان در مواردی شباهت‌هایی با هم دارند که این نشان‌دهنده اشتراک نظر آنان در برخی موارد است. با این اوصاف می‌توان الگوی استکمالی ملاصدرا را همانند الگوی استکمالی مازلو، به صورت هرم وار نشان داد (شکل ۵). به رغم این نقاط اشتراک، در برخی مسائل مطرح‌شده در این زمینه، تفاوت‌هایی مهم میان این دو وجود دارد؛ زیرا در دیدگاه این دو اندیشمند تفاوت‌های عمده روشی،

۳. خود شکوفایی از نظر آبراهام مازلو^۱

آبراهام مازلو یکی از متفکران پیشگام و از مؤسسان روان‌شناسی انسان‌گراست. مازلو رفتارگرایی و روان‌کاوی، به‌ویژه رویکرد فرویدی در شخصیت را مورد انتقاد قرار داده است. وی برخلاف فروید و دیگر نظریه‌پردازان شخصیت که با مطالعه روان‌نژندان، ماهیت شخصیت انسان را بیان می‌کنند، موضوع آزمون شایسته تحقیق را سالم‌ترین نمونه‌های شخصیت می‌داند. بنابراین «نظریه شخصیت مازلو از افراد دارای اختلال‌های هیجانی سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه نشئت گرفته از سالم‌ترین شخصیت‌هاست» (شولتز، ۱۳۸۷، ص ۳۵۶). بر این پایه، وی به جنبه سالم طبیعت آدمی می‌پردازد، نه به جنبه ناسالم او (بیماری روانی). از این رو روان‌شناسی انسان‌گرا، تلویحاً «روان‌شناسی سلامت»^۲ نیز نامیده می‌شود.

مطالعه وسیع مازلو درباره افراد سالم و خودشکوفایی نتایج مهمی به دنبال داشته است. به نوشته مازلو چنین افرادی را که استعدادهای بالقوه و نهفته در خود را تحقق می‌بخشند، می‌توان «خودشکوفاساز» نامید. این افراد در مقایسه با دیگران از بلوغ بیشتری برخوردارند و در انسانیت خود از دیگران فراترند (مازلو، ۱۳۸۱). وانگهی واژه خودشکوفایی در اینجا به شیوه‌های بسیار اختصاصی‌تر و محدودتر به کار برده می‌شود و به تمایل بشر به تحقق خویشتن اشاره دارد؛ یعنی به گرایش او در جهت شکوفایی شدن آنچه بالقوه در وی وجود دارد. این گرایش را می‌توان تمایل به تکوین تدریجی آنچه ویژگی فردی شخص اینجانب می‌کند و شدن هر آنچه شخص شایستگی شدنش را دارد، دانست (مازلو، ۱۳۷۵). تعریف مازلو از خودشکوفایی این است که افراد خودشکوفای همه استعدادها، قابلیت‌ها و توانایی‌های خود بهره‌برداری می‌کنند.

۱-۳. هرم نیازها

نخستین گام علمی که مازلو در مسیر تقریب به معنویت و فرامادی دیدن آدمیان برداشته، نظریه مشهور هرم نیازهاست. وی برای نخستین بار از هرم نیازها در نشریه روان‌شناسی سخن به میان آورد. در سلسله مراتب هرم مازلو، نخست باید نیازهای مراتب پایین ارضا شوند تا نیازهای مراتب بعدی خودنمایی کنند. در پایین‌ترین سطح، نیازهای فیزیولوژیکی غالب هستند. وقتی این نیازها ارضا شدند، نیازهای ایمنی خودنمایی می‌کنند؛ سپس نیاز به تعلق داشتن و عشق؛ به دنبال آن نیاز

1. Abraham Maslow
2. Health Psychology

الهی، سالک درمی‌یابد که اکنون می‌تواند با ارتیاض و مجاهده، صفات انسانی را از خود بیرون کند و صفات ربانی را در خود ظاهر سازد (شیرازی، ۱۳۵۸).

د) محبت

از نگاه ملاصدرا، محبت معنای واحدی است که اقسام مختلفی دارد. وی اقسام محبت را این‌گونه بیان کرده است: نخستین محبت، محبت الهی است. این محبت، از اوصاف خداوند است و هرگاه خداوند به شیء غیر از خود محبت یابد، آن شیء را برمی‌گزیند و به کمال می‌رساند. قسم دیگر محبت، محبت شخص به حال یا کمالی خاص است. این محبت با برانگیختن فرد به سوی آن کمال، مبدأ تکامل می‌گردد. سومین قسم از محبت، معنایی روحانی و مفهومی درونی است که در آن، محب غرق در وجود محبوب است. محب در پی این محبت، چنان مجذوب محبوب می‌شود که می‌خواهد تمام کمالات وی را در خود متجلی سازد. از آنجا که محبت امری ذوقی و وجدانی است، وجود محب هر قدر لطیف‌تر و نورانی‌تر باشد، محبت در او کامل‌تر و نفس به مراتب متکامل‌تر خواهد شد. در ممکنات، نهایت عشق و کمال این محبت در وجود نبی خاتم، حضرت محمد ﷺ بروز می‌یابد که تجلی تام صفات الهی است (شیرازی، ۱۳۵۸).

ه) حکمت و حریت

از نظر ملاصدرا، نفس شریف و قوی نفسی است که در حکمت و حریت، شبیه به مفارقات باشد. نفسی که در احکام و قضایای مختلف آرای صحیحی در پیش گیرد، واجد صفت حکمت است. این صفت هم تحصیلی است و هم فطری؛ لذا انسان‌ها در این صفت مراتب مختلفی دارند که درجه عالی آن، نفس قدسی پیامبر ﷺ است. حریت نیز به معنای آزاد و رها بودن از اسارت امور مادی و لذا اید حیوانی است و در مقابل آن بندگی و عبودیت دنیا قرار می‌گیرد. تمام فضایل نفسانی، به این دو فضیلت و تمام اخلاق پلید، به اضداد این دو صفت بازمی‌گردند. تزکیه نفس از بعضی رذایل رفتاری، برای سعادت نفس کافی نیست و صفای قلب تنها با رفع تمام رذایل محقق می‌گردد؛ چراکه تنها برخی از این صفات برای چیرگی بر نفس کفایت می‌کنند (ریاحی و اسکندری، ۱۳۸۹).

می‌داند و به سلسله علل و اسباب و کیفیت صدور کاینات علم دارد) کمال نفس و زینت ذات است و هر یک از اسباب و مسبباتی که متعلق اویند، مدخلی برای اتمام ذات و اکمال جوهره او هستند.

ب) اعمال، عبادات و ریاضات شرعی

۱. اعمال انسان: شامل افعال بدنی و مناقب عملی که برای افعال بدنی، رعایت آداب شرعی و دستورهای دینی و برای مناقب عملی، تسخیر قوای شهوی و غضبی انسان را به سعادت نزدیک می‌کند (شیرازی، ۱۳۹۰):

۲. عبادات: در درجه اول شامل عبادات آشکار و بدنی و در درجه دوم مشتمل بر عبادات مخفی و قلبی است. عبادات بدنی، اوامر و نواهی ربانی همچون طهارت، روزه، زکات، حج، جهاد و دیگر احکام شرعی‌اند که پیامبر آنها را به انسان‌ها ابلاغ کرده و اطاعت از آنها با اجر الهی همراه است. عبادات قلبی نیز عبارت‌اند از: شناخت باری تعالی، معرفت انبیا و مرسلین، علم به نحوه بعثت آنها و نزول کتب آسمانی، معرفت نفس، شناخت معاد روحانی و جسمانی. عبادات بدنی، فرعیات شرع و عبادات قلبی، اصول نظری دین‌اند و قسم اول از قسم دوم منبعث می‌شود (شیرازی، ۱۳۹۰):

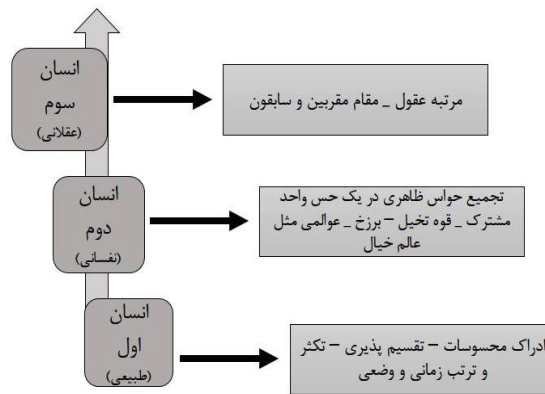
۳. ریاضات شرعی: صدرالمتألهین اعمال پنج‌گانه‌ای را در راستای ارتقای نفس به مدارج عالیه تکامل معرفی کرده است. این مراحل عبارت‌اند از: جوع (گرسنگی)، سهر (شب بیداری)، صمت (سکوت)، عزلت (تنهایی) و ذکر دائمی (مصلح، ۱۳۸۵).

ج) افاضات ربانی و کشش‌های الهی

صدرالمتألهین در بحث تکامل نفس، برای جذبه‌های الهی و کشش‌های ربانی اهمیت ویژه‌ای قائل شده است و می‌گوید: هر کس که کشش الهی در فکر و حواسش راه نیابد و جاذبه ربانی ادراکاتش را تحت تأثیر قرار ندهد، قادر به رهایی از صفات نفسانی نخواهد شد. معرفت پروردگار، آگاهی از عالم ملکوت و تجلی صفات الهی، آن‌گونه که برای واجدان جذبه‌های الهی حاصل می‌شود، برای فاقدانش حاصل نمی‌شود. این موهبت‌های الهی، به تناسب تلاش انسان اعطا نمی‌گردد و با الطاف هدایت‌گونه‌ای که در پی انابه و کسب حاصل می‌شود قابل قیاس نیست. خداوند با تصرفی ملکوتی، ساختمان قلوب مجذوبان را ویران می‌کند و خود بنایی کامل و عالی برای ایشان می‌سازد؛ آنان را از پلیدی‌ها و کدورت‌ها پاک می‌کند و با نیکوترین انوار جلا می‌بخشد. پس از این تأییدات

۲-۲. مراتب تکامل نفس از جهت مراتب مدرکات

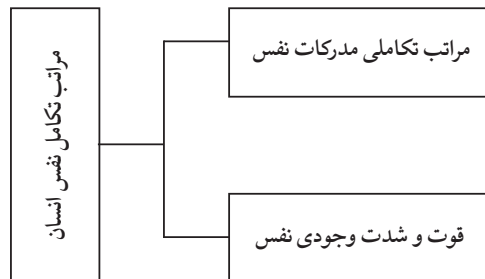
نفس از جهت مدرکات خود دارای سه مرتبه حسی، خیالی و عقلی است (شیرازی، ۱۳۵۴، ص ۳۷۲). از این رو ملاصدرا نفس را در نخستین مرتبه، انسان اول یا انسان طبیعی، در دومین مرتبه، انسان ثانی یا نفسانی و در مرتبه سوم انسان ثالث یا عقلانی می‌نامد. نفس قابلیت و استعداد آن را دارد که این مراتب مختلف را یکی پس از دیگری ببیند و از اخس مراتب به اشرف مراتب راه یابد (اردکانی، ۱۳۶۹).



شکل ۳. مراتب مختلف نفس از جهت مراتب مدرکات از منظر ملاصدرا
(منبع: نگارنده - بر اساس منابع مطالعاتی)

۲-۳. عوامل مؤثر در تکامل نفس انسانی از دیدگاه ملاصدرا الف) علم و ادراک

در نگاه ملاصدرا، علم تنها یک کیف نفسانی - که بر نفس عارض شود - نیست؛ چراکه در این صورت، نفس عالم و جاهل در ذات یکسان است و این دو تنها در اعراض متفاوت خواهند بود. از نظر وی معلومات بالذات و صورت‌های ادراکی جوهرهایی هستند که قائم به نفس اند و با آن متحد می‌شوند. این صورت‌های ادراکی مقوم ذات نفس و سبب تحولات جوهری اند که در نتیجه آن نفس از قوه به فعل خروج می‌کند و به تکامل می‌رسد (شیرازی، ۱۳۹۰). با این نگاه صدرالمتألهین، مشخص می‌گردد که یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تکامل نفس، علم است؛ به گونه‌ای که وی در آثار متعدد خود و به طرق مختلف به تأثیر علم بر تکامل نفس اشاره دارد. از نظر وی، علم (برای عالمی که به حقایق اشیا رسیده است، ترتیب موجودات و رابطه تعلق آنها را



شکل ۱. مراتب تکامل نفس انسان توسط ملاصدرا از دو حیث بررسی می‌شود
(منبع: نگارنده بر اساس منابع مطالعاتی)

۱-۲. مراتب تکاملی نفس از جهت مراتب وجود

از نظر ملاصدرا در حالی که موجودات در موجود بودن واحدند، به سبب شدت و ضعف در وجود دارای اختلاف و کثرت هستند و به اصطلاح فلسفی، دارای تشکیک‌اند. بنابراین نظام هستی سلسله‌ای از مراتب موجودات ضعیف و قوی است که از ضعیف‌ترین وجود تا قوی‌ترین وجود ترتیب یافته‌اند (ریاحی و اسکندری، ۱۳۸۹). نفس انسانی از ابتدای وجود خود مراتب و درجات متعددی را می‌پذیرد و با حرکت جوهری، اطوار مختلف وجودی را سپری می‌کند و به تکامل می‌رسد (همان، ۱۳۹۱). ملاصدرا مراتب وجودی نفس را بر اساس تقدم و تأخر در حدوث به این صورت سامان می‌دهد:



شکل ۲. تقدم و تأخر مراتب وجودی نفس از نظر ملاصدرا (منبع: نگارنده بر اساس منابع مطالعاتی)

نظریه مازلو را از نگاه درون دینی واکاویده و با استناد به آیات قرآن کریم، نقاط قوت و ضعف آن را تبیین کرده‌اند. شریعتی و افشار (۱۳۹۴) در پژوهشی با بررسی تطبیقی انسان خودشکوفای مازلو و انسان اشتدادیافته حکمت متعالیه، به جهات اشتراک و افتراق این دو نظریه دست یافته‌اند. رضا سامه (۱۳۹۲) در پژوهشی مرتبه‌بندی معماری متناسب با ساختار وجودی انسان بر اساس آموزه‌های قرآن و حکمت اسلامی را بیان می‌کند و از مراتب وجودی جسم و روح و نفس به مراتب معماری، سرپناه و محیط و فضا و مکان می‌رسد. محمدمهدی رئیس سمیعی (۱۳۸۰) تأویل و کاربرد «نظریه مراتب وجود» را در معماری مورد پژوهش قرار داده و در نهایت آثار میس و ندرروه را نقد کرده است. سمانه تقدیر (۱۳۹۶) نیز مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری را بر اساس مبانی حکمت متعالیه بررسی و تبیین کرده است. با این تفاسیر، پژوهشی با درون‌مایه سنجش میزان تأثیر آثار معماری بر کمال انسانی و طی حرکت جوهری وجود و چگونگی تحقق کمال از این مسیر بر اساس نظریات حکمت اسلامی، مورد نیاز به نظر می‌رسد.

۲. تکامل نفس از نظر ملاصدرا

از نظر ملاصدرا کمال و سعادت همان وجود است و وجودها در کمال و نقص دارای مراتب مختلفی هستند؛ یعنی هر وجودی که از عدم خالص‌تر باشد، از تکامل و سعادت بیشتری برخوردار است. علاوه بر این، ادراک و شعور و وجود نیز کمال و سعادت است و وجودها در ادراک نیز متفاوت‌اند. از این‌رو تکامل نفس و مراتب آن، به طور کامل مرتبط با شدت وجودی آن است؛ به این معنا که هر قدر نفس و قوای آن از لحاظ وجودی، قوی‌تر و شدیدتر باشند، از مرتبه تکاملی والاتری بهره‌مندند (شیرازی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۷).

شدت وجود نفس، از دو جهت موجب ارتقای مرتبه آن می‌شود: اول از آن جهت که خود مرتبه وجود، درجه تکامل را نشان می‌دهد و دوم آنکه هرچه نفس و قوای آن وجود شدیدتری داشته باشند، قادر به درک مدرکات ناب‌تری خواهند بود و هرچه مدرکات ناب‌تر باشند، مرتبه تکاملی ادراک‌کننده (نفس) بالاتر خواهد بود. از این‌رو ملاصدرا تصریح می‌کند که کمال و سعادت هر قوه‌ای از قوای نفس، ادراک امر ملائم با طبع آن قوه است و از آنجاکه قوای مختلف بر اساس مدرکات متفاوت مراتب مختلفی دارند، از کمالات مختلفی نیز برخوردارند؛ به این معنا که هرچه قوه شدیدتر باشد، مرتبه تکاملی آن نیز بالاتر خواهد بود. همان‌طور که وجود قوای عقلی، شریف‌تر و کامل‌تر از قوای شهوانی و غضبی است، ادراکات آنها نیز شدیدتر است (همان، ص ۲۹۶).

ملاصدرا و نتایج پژوهش فرد استیل (ترجمان هرم نیازهای مازلو در معماری) با استفاده از استدلال منطقی، مفاهیم واسطه‌ای و سپس ترجمانی در نظام طراحی معماری به دست آمده است. می‌توان بیان کرد که معماری با تمام این ویژگی‌ها یک معماری کمال‌گرا به شمار می‌آید و انسان را در مسیر استکمال قرار می‌دهد. **کلیدواژگان:** استکمال انسان، نفس، نیازها، مظاهر کمال، معماری کمال‌گرا.

مقدمه

لزوم بازگشت به سرچشمه‌های فرهنگ خودی برای تبیین مظاهر مختلف این فرهنگ غنی، در روزگار ما ضروری می‌نماید. استکمال انسان از نظر ملاصدرا عبارت است از گذشتن از سه حیات نباتی، حیوانی، انسانی (ناطقه) و رسیدن به حیات عقلانی (ریاحی و اسکندری، ۱۳۸۹) و از نظر مازلو نیز عبارت است از رفع نیازهای پایه و پیمودن پله‌های هرم نیاز مازلو و رسیدن به خودشکوفایی. امروزه تقریباً تمام معماران به ماهیت انسانی معماری معترف‌اند؛ از این‌رو بررسی نظریه‌های انسان‌شناسانه برای به دست آوردن شاخصه‌هایی به منظور تبدیل معماری حاضر به معماری کمال‌گرا، که قدمی است در راستای کمک به استکمال نفس انسان‌ها، ضروری به نظر می‌رسد. از طرفی ساده انگاشتن این مسئله و نادیده گرفتن ابعاد مختلف انسانی در طراحی معماری می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری از هر جهت داشته باشد. هدف پژوهش حاضر تبیین نظریه تکامل انسانی ملاصدرا به عنوان یک فیلسوف اسلامی و مازلو به عنوان یک روان‌شناس غربی، تحلیل و مقایسه این دو نظریه و تفسیر آنها در نظام‌های معماری و به دست آوردن ترجمان‌هایی برای طراحی بر اساس فطرت انسان و در راستای مظاهر استکمالی اوست. این کار با استفاده از منابع اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای و روش توصیفی تحلیلی و استدلال منطقی انجام خواهد شد.

۱. پیشینه پژوهش

با تفحص در کتاب‌ها و مقالات مختلف روشن شد که تاکنون مطالعه‌ای درباره موضوع پژوهش حاضر انجام نشده است؛ با این حال می‌توان به برخی منابع که درباره بخش‌ها و محورهای گوناگون این پژوهش به صورت مجزا بحث کرده‌اند اشاره کرد. ریاحی و اسکندری (۱۳۸۹) به بررسی مراتب کمال انسانی و نفس علامه و عماله در حکمت متعالیه پرداختند و در پژوهشی دیگر (۱۳۹۱) عوامل مؤثر در طی روند استکمال انسانی را بررسی کرده‌اند. مروتی و یعقوبی (۱۳۸۹)

انسان خودشکوفای اشتداد یافته ملاصدرا و نمود آن در طراحی معماری کمال گرای انسانی

عاطفه ظریف فیروز عسگری

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه امام رضا (ع)، ایران، مشهد

atefeh.zarif@imamreza.ac.ir

مهدی حمزه نژاد

دکترای معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران، ایران، تهران

hamzenejad@iust.ac.ir

چکیده

معماری با ساختارهای فکری افراد بسیاری در طول تاریخ عجین بود است. انسان‌شناسی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین ارکان بر تمامی اعمال بشر، و به‌ویژه معماری شایسته مطالعه می‌باشد که البته نظریات مختلفی در این باب از سوی دانشمندان و فلاسفه مطرح شده است. معماران امروز بیشتر در پی یافتن مدلی هستند که پاسخ‌گوی رفتارهای انسانی باشد؛ اما با مطالعه بیشتر بر روی انسان‌ها و پژوهش‌های انسان‌شناسی می‌توان دریافت که تنها توجه به عوامل رفتاری در طراحی نمی‌تواند درجه رضایت کاربر را بالا برد؛ همان‌گونه که در مطالعات علمی روان‌شناس انسان‌گرا (مازلو) اثبات شده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بررسی روابط در پی یافتن معیارهایی برای ایجاد کیفیتی بهتر برای معماری بر اساس مدل‌های ارائه‌شده از انسان توسط یک حکیم مسلمان و یک روان‌شناس انسان‌گرای غرب است. بر اساس یافته‌های این پژوهش مدل‌های استکمالی ارائه شده توسط مازلو و ملاصدرا به‌رغم تفاوت‌های بینشی و روشی، شباهت‌های فراوانی به هم دارند؛ با این یادآوری که الگوی ملاصدرا کامل‌تر و شامل‌تر از مدل مازلو است. در پژوهش حاضر بر اساس مظاهر استکمالی

۲۶. وارثی، ح.، قاندرحمی، ص.، و باستانی فر، ا. (۱۳۸۶). بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت، مطالعه موردی: شهر اصفهان. جغرافیا و توسعه. ۹۱-۱۰۶.
27. Le Tourneau, R., & Paye, L. (1935). *La corporation des tanneurs et l'industrie de la tannerie à Fès*. Hespéris 21.
28. Abu-Lughod, J. (1987). The Islamic City-Historic Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance. *International Journal of Middle East Studies*, 19, 155-176.
29. Brunshvig, R. (1947). Urbanisme médiéval et droit musulman. *Revue des Etudes Islamiques*, 127-155.
30. Lapidus, I. (1967). *Muslim Cities in the Later Middle Ages*. Cambridge: University of Cambridge.
31. Lapidus, I. (1973). The Evolution of Muslim Urban Society. *comparative studies in society and history*, 15, 21-50.
32. Marçais, G. (1937). *Tunis et Kairouan*. Paris.
33. Marçais, W. (1928). L'Islamisme et la vie urbaine. *Comptes rendus de L'Académie des Inscriptions et Belles Lettres*, 86-100.
34. Massignon, L. (1920). Les corps de métiers et la cité islamique. *Revue Internationale de Sociologie*.
35. Raymond, A. (2008). THE SPATIAL ORGANIZATION OF THE CITY. In s. k. Jayyusi, R. Holod, A. Petruccioli, & A. Raymond, *The City in the Islamic World* (pp. 47-70). Leiden: Brill.

۱۳. شکرانی، ر. (۱۳۸۷). مهندسی فرهنگ اسلامی در مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهر اسلامی. مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۱۴. ضرابی، ا.، و موسوی، م. (۱۳۸۹). تحلیل فضایی پراکنش جمعیت و توزیع خدمات در نواحی شهری یزد. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. ۲۷-۴۶.
۱۵. عمرانزاده، ب.، & زیاری، ک. (۱۳۹۴). تبیین شرایط و مقدمات تحقق شهر اسلامی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری ایرانی اسلامی (سیمای دیروز- چشم انداز فردا). شیراز: شهرداری شیراز.
۱۶. عمرانزاده، ب.، زیاری، ک.، پوراحمد، ا.، حاتمی نژاد، ح. (۱۳۹۳). بررسی آسیب‌شناسانه ایرادات حاکم بر مطالعات شهر اسلامی. فصلنامه جغرافیا، سال دوازده. ۷-۲۴.
۱۷. عمرانزاده، ب.، زیاری، ک.، پوراحمد، ا.، & حاتمی نژاد، ح. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل رویکردهای حاکم بر مطالعات شهر اسلامی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ۷۱-۷۰.
۱۸. فرامرز قراملکی، ا. (۱۳۸۵). روش‌شناسی مطالعات دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۹. فلیک، ا. (۱۳۹۰). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. ه. جلیلی، (مترجم). تهران: نشر نی.
۲۰. کامران، ح.، پریزادی، ط.، و حسینی امینی، ح. (۱۳۸۹). سطح‌بندی خدمات شهری در مناطق کلانشهر تهران. فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول. ۱۴۷-۱۶۴.
۲۱. مرصوصی، ن. (۱۳۸۲). تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران (مطالعه موردی شهرداری تهران). پایان‌نامه دوره دکتری جغرافیا گرایش برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۲۲. منصوریان، ی. (۱۳۸۶). گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟. ویژه‌نامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی.
۲۳. نقره‌کار، ع.، مظفر، ف.، و نقره‌کار، س. (۱۳۸۹). مدل‌سازی، روشی مفید برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای. نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۱: ۱۲۹-۱۳۸.
۲۴. نقره‌کار، ع. (۱۳۹۵). نسبت اسلام با فرایندهای انسانی فرا نظریه سلام. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی. ۱-۲۱.
۲۵. نقی‌زاده، م. (۱۳۹۴). آموزه‌های قرآنی و شهر آرمانی اسلام. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال سوم. ۴۶-۶۴.

منابع

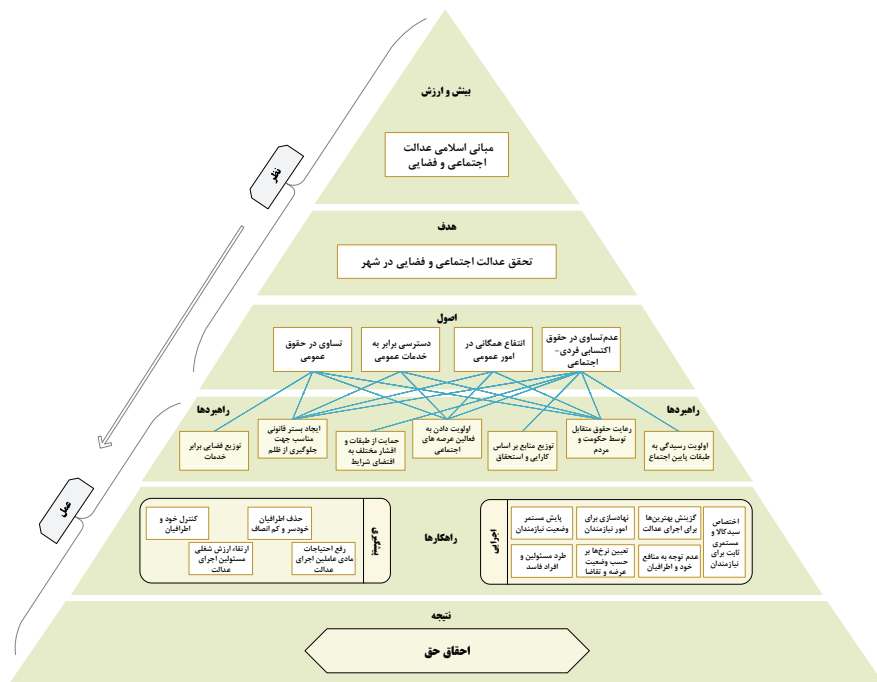
۱. اشتراوس، آ.، کوربین، ج. (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی رویه‌ها و روش‌ها، ب. محمدی، (مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. اصغری، ع. (۱۳۸۶). اصول تربیت. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۳. باقری، خ. (۱۳۸۲). هویت علم دینی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. بهروان، ح. (۱۳۸۵). آمایش فرهنگی و عدالت شهری در مناطق دوازده گانه شهرداری مشهد. مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۵. پورجعفر، م.، پورجعفر، ع. صفدری، س. (۱۳۹۴). انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهری آرمانی - اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال سوم. ۱۹-۳.
۶. جوان، ج.، و عبداللهی، ع. (۱۳۸۷). عدالت فضایی در فضاها‌های دوگانه شهری (تبیین ژئوپلیتیکی الگوهای نابرابری در حاشیه کلانشهر مشهد). فصلنامه ژئوپلیتیک. ۱۳۱-۱۵۶.
۷. حکیم، ب. س. (۱۳۸۱). شهرهای عربی - اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی. م. ح. ملک احمدی، و ع. اقوامی مقدم، (مترجم). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. خاکپور، ب. (۱۳۸۵). سنجش سطح برخورداری مناطق شهر مشهد از نظر امکانات و خدمات فرهنگی با استفاده از مدل موریس. مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری (pp. 585-602). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۹. خاکی، غ. (۱۳۷۸). روش تحقیق بارویکردی به پایان‌نامه نویسی. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
۱۰. داداش‌پور، ه.، و رستمی، ف. (۱۳۹۰). سنجش عدالت فضایی یکپارچه خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت، قابلیت دسترسی و کارایی در شهر یاسوج. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۱۰: ۱-۲۲.
۱۱. دانایی‌فرد، ح.، و مؤمنی، ن. (۱۳۸۷). تئوری رهبری اثربخش از دیدگاه امام علی (ع) استراتژی تئوری داده‌بنیاد متنی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. ۷۵-۱۱۰.
۱۲. رهنما، م.، و ذبیحی، ج. (۱۳۹۰). تحلیل توزیع تسهیلات عمومی شهری در راستای عدالت فضایی با مدل یکپارچه دسترسی در مشهد. جغرافیا و توسعه. ۵-۲۶.

از این منظر، هدف محوری تحقق عدالت اجتماعی و فضایی در شهر، مهم‌ترین هدف تعیین شده در مدل است که در ادامه، اصول اساسی عدالت فضایی، در راستای تحقق این هدف طرح شده است. اصول عدالت فضایی واپسین گام از ساحت نظر است که با نظر به حوزه عملیات و تسهیل اقدام مطابق مبانی و نزدیک به حوزه عمل طرح شده است.

راهبردها و راهکارهای عدالت اجتماعی و فضایی، روش‌های کلان و خرد دستیابی به هدف تحقق عدالت اجتماعی و فضایی هستند که کاملاً عملیاتی‌اند و راهنمای اقدامات اجرایی و برنامه‌ریزی در سطوح اجرایی چون شهر و منطقه می‌باشند. بدیهی است که محتوای مدل یادشده، شامل مفاهیم و مقولات استخراج‌شده از منابع اسلامی است که می‌توان با توجه به حوزه و سطح مورد نظر در سطح راهبرد و راهکار اقدام به بسط آن کرد. معمولاً اصول و ارزش‌ها، بنیه و ریشه معرفت‌شناختی دارند و در گذر زمان به استثنای شرایط اقتضایی تغییر و تحولی نمی‌یابند؛ اما راهبردها و به‌ویژه راهکارها با نظر به وضعیت عدالت و بی‌عدالتی در جامعه و فاصله آن با وضعیت مطلوب، می‌توانند بسط یابند. در مقام کاربرد، مدل یادشده می‌تواند هم در ارزیابی وضع موجود و هم در برنامه‌ریزی اجتماعی برای دستیابی به مراتب عالی عدالت اجتماعی و فضایی مورد بهره‌برداری اندیشمندان و سیاست‌گذاران عمومی واقع گردد.

و عدالت اجتماعی و فضایی در سکونتگاه‌های شهری، داشتن اصول، راهبردها و راهکارهای متقن و قابل اعتماد اهمیت فراوان دارد. مدل استراتژی عدالت اجتماعی-فضایی، با همین رویکرد و با بهره‌گیری از ادبیات برنامه‌ریزی استراتژیک ارائه شده است (شکل ۱۰).

شکل شماره ۱۰. مدل استراتژی عدالت اجتماعی و فضایی (مدل پیاده‌سازی عدالت فضایی)



مدل هرم برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک با سلسله‌مراتب بینش، اهداف، اصول، راهبردها و راهکارها، یکی از کارآمدترین مدل‌های رایج در پیاده‌سازی ارزش‌ها در مسیر دستیابی به چشم‌انداز تعیین شده است. همان‌گونه که در شکل شماره ۱۰ مشخص است، اهداف و ارزش‌ها که منبعث از مبانی و بینش‌ها هستند، مفاهیمی کلان‌اند که در ساحت نظر قرار دارند. بهره‌گیری از الگوی یادشده و ساخت راهبردها و راهکارهایی که روش‌های کلان و خرد تحقق اهداف و اصول و ارزش‌ها را ارائه می‌دهند، با ایجاد فرایند گذر از ساحت نظر به عمل، زمینه عملیاتی شدن اهداف و ارزش‌ها را فراهم می‌آورد.

در مدل یادشده، با پشتوانه بینش و جهان‌بینی اسلامی و تبیین مبانی عدالت فضایی و اجتماعی

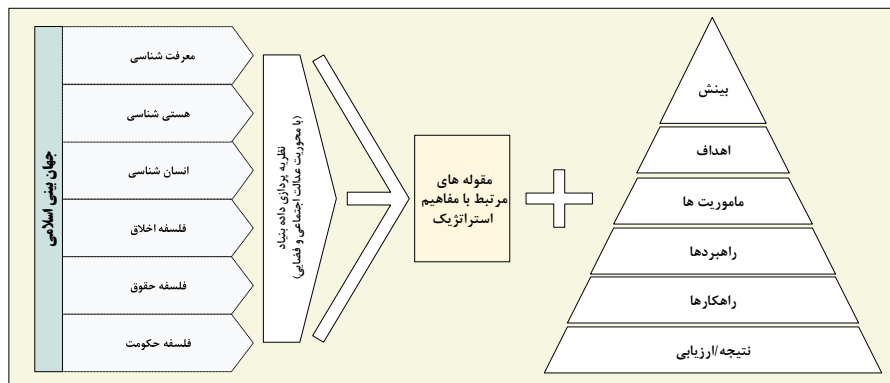
و یا محلات و مناطق فقیرنشین شهر در متن سیاست‌های عادلانه و توزیع منابع عمومی است. ایجاد نهادی مستقل برای رسیدگی به اوضاع مناطق و محلات شهری محروم در کنار رصد و پایش مستمر وضعیت این محلات که معمولاً دچار آسیب‌های اجتماعی و کالبدی پر شمارند، از اصلی‌ترین راهکارهای ارائه‌شده در این زمینه است.

نتیجه‌گیری و تبیین خروجی نهایی

بر اساس تحلیل‌ها و کدگذاری‌های صورت‌گرفته بر روی منابع اسلامی منتخب و ظهور مقولات و مفاهیم اساسی مرتبط با حوزه پژوهش و با نظر به ارتباط برخی مقولات استخراج‌شده با ادبیات برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، می‌توان به ارائه «مدل استراتژی عدالت اجتماعی - فضایی» همت گماشت.

مدل استراتژی عدالت اجتماعی و فضایی در شهر، حاصل تلفیق محتوای مقولات مرتبط با برنامه‌ریزی استراتژیک در قالب هرم برنامه‌ریزی استراتژیک است که فرایند کلی آن در شکل شماره ۹ ارائه شده است.

شکل شماره ۹. فرایند شکل‌گیری مدل استراتژی عدالت اجتماعی و فضایی

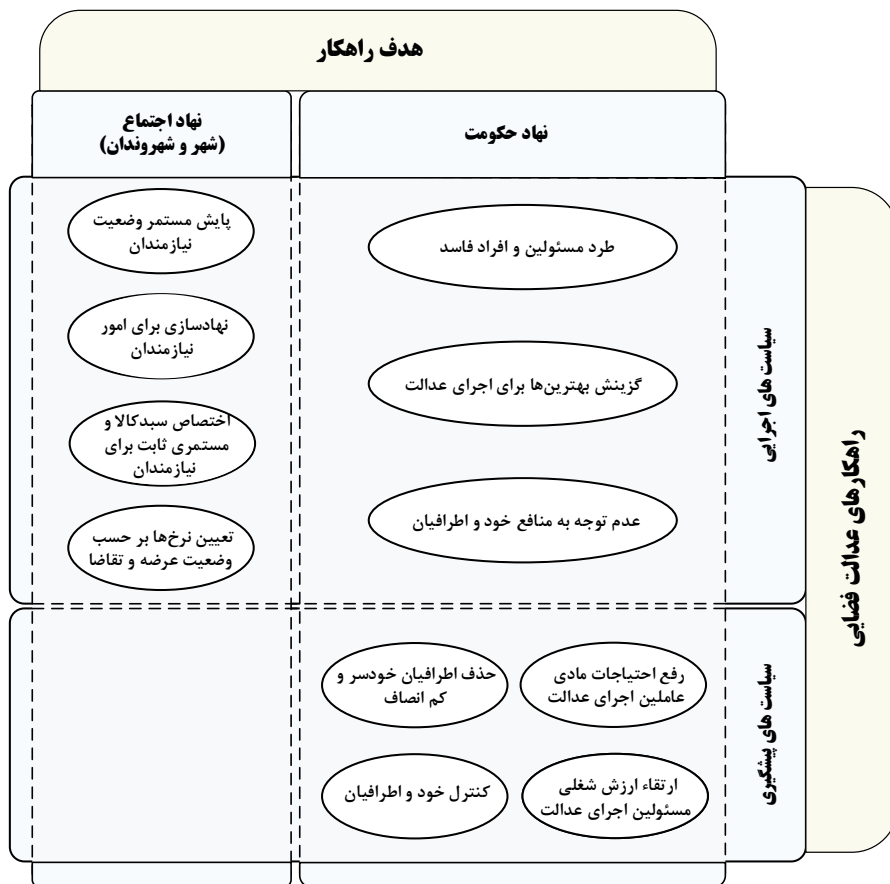


امروزه رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک، یکی از رویکردهای اصلی و درخور توجه در انواع برنامه‌ریزی‌ها، از جمله برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است. بر اساس این رویکرد، لازمه موفقیت در هر نوع اقدام عملیاتی و دستیابی به اهداف مشخص شده، به تدوین و انتخاب راهبردهای صحیح و اقدام در راستای آنها بازمی‌گردد.

بر اساس نظر پیش‌گفته، در حوزه برنامه‌ریزی فضایی و شهری نیز، به‌ویژه در زمینه ایجاد تعادل

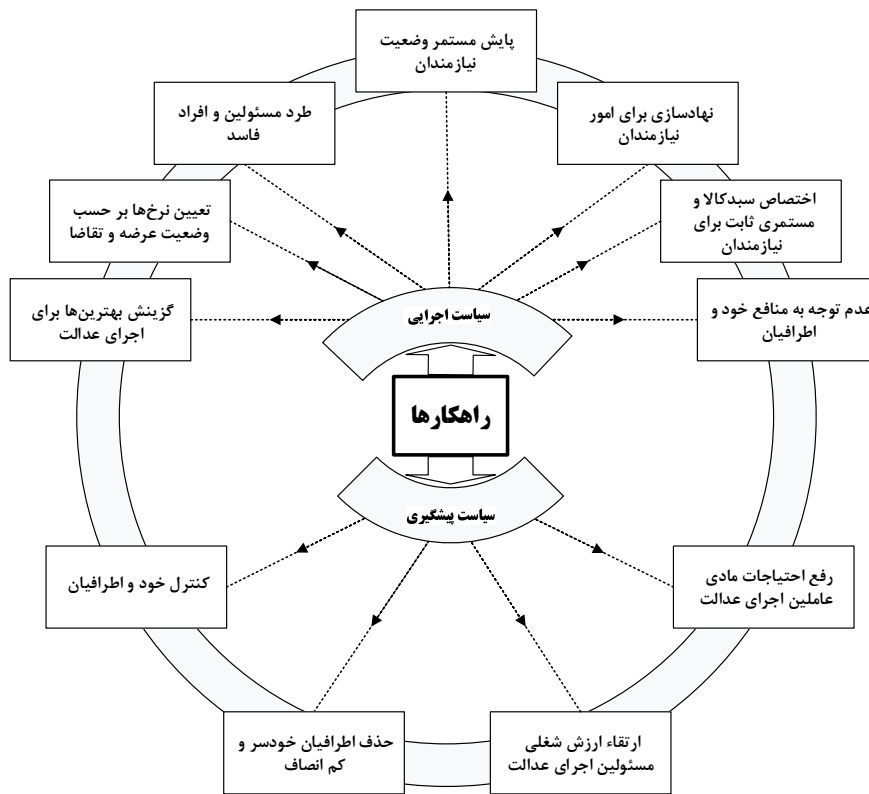
۸ نیز مشخص است، تمرکز راهکارهای مربوط به سیاست‌های پیشگیری در بخش حاکمیت، نشان‌دهنده وجود منشأ اصلی بی‌عدالتی‌های اجتماعی در ساختارهای دولتی و حکومتی است. بنابراین می‌توان گفت که با سالم‌سازی سطوح مختلف ساختارهای دولتی و ملاک قرار دادن اصول عدالت، تحقق اهداف عدالت اجتماعی و فضایی در سطح جامعه دور از دسترس نخواهد بود.

شکل شماره ۸. گونه‌بندی راهکارهای عدالت فضایی بر اساس هدف و مقطع اقدام



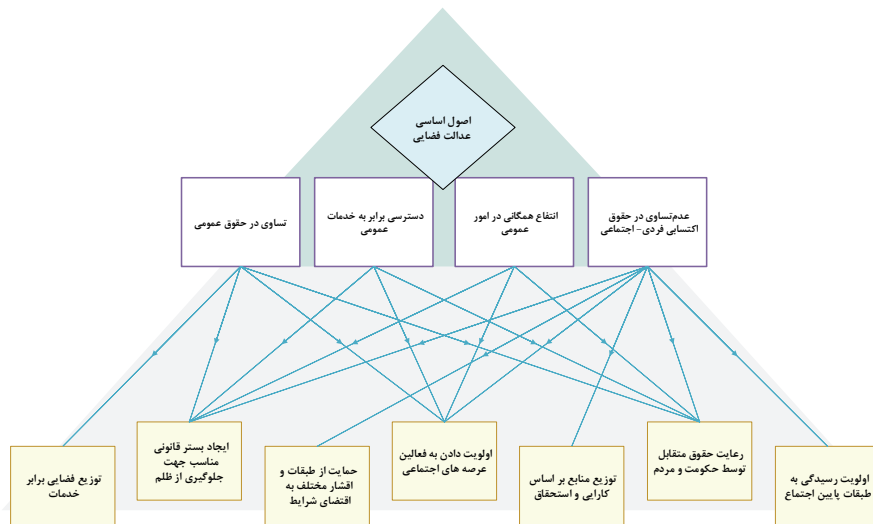
نکته درخور توجه در راهکارهای ارائه‌شده، وجود چند راهکار مختلف با موضوعیت طبقات پایین اجتماع یا نیازمندان است. این امر نشان‌دهنده اهمیت فزاینده توجه به شهروندان نیازمند

شکل شماره ۷. مفاهیم اصلی و فرعی مقوله راهکارهای عدالت فضایی



منظور از سیاست‌های اجرایی، مجموعه راهکارهایی است که برای پیاده‌سازی عدالت فضایی در شهر و در مقام اجرا قابل انجام‌اند. در مقابل، سیاست‌های پیشگیری عبارت‌اند از مجموعه راهکارهایی که اجرا و پایبندی به آنها موجبات پیشگیری از وقوع اعمال غیرعادلانه را فراهم می‌آورد. مجموعه راهکارهای یادشده، سیاست‌هایی هستند که باید در راستای تحقق عدالت فضایی و انجام اقدامات مربوطه، مد نظر قرار گیرند. با یک بررسی مختصر و گونه‌بندی راهکارهای فوق براساس بُعد «هدف»، می‌توان راهکارهای یادشده را در دو گروه عمده قرار داد: یک دسته، راهکارهایی که هدفشان نهاد و ساختارهای حاکمیتی است و دسته دیگر، راهکارهایی که هدف آنها یا محمل پیاده‌سازی‌شان اجتماع (شهر و شهروندان) است. همان‌گونه که در شکل شماره

شکل شماره ۶. بنیادهای اصولی راهبردهای عدالت فضایی



۳-۳. مقوله راهکارهای عدالت اجتماعی و فضایی

راهکارها، روش‌های دقیق‌تر برای انجام مأموریت‌ها هستند. راهکارها نیز مانند راهبردها از جنس روش‌اند. اصلی‌ترین تفاوت میان راهکارها و راهبردها، این است که راهکارها در ارتباط مستقیم با مأموریت‌ها یا اهداف قرار نمی‌گیرند (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳). در واقع راهبردها، روش‌ها یا سیاست‌های کلان دستیابی به اهداف هستند و راهکارها، روش‌ها یا سیاست‌های خرد اجرایی آن.

راهکارها را می‌توان بعد اجرایی و عملیاتی راهبردها به شمار آورد که با نزدیکی به واقعیت‌های موجود، راهنمای اقدامات‌اند و امکان تحقق اهداف را فراهم می‌آورند. طی فرایند تحلیل داده‌های حاصل از به‌کارگیری روش گراندد تئوری، بخشی از مفاهیم در نهایت ذیل عنوان «راهکارها» مقوله‌بندی شده‌اند که نشان‌دهنده راهکارها یا سیاست‌های اجرایی عدالت فضایی در شهراسلامی هستند. همان‌گونه که در شکل زیر نیز مشخص است، مقوله «راهبردها» خود به دو مفهوم اصلی «سیاست‌های اجرایی» و «سیاست‌های پیش‌گیری» تقسیم شده است.

اقتضای زمان در دریافت تعرفه‌ها» است. بر پایه این راهبرد، حمایت و یا عدم حمایت از افراد یا اقشار مختلف، باید متناسب با معیارهای عدالت فضایی و در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی مختلف صورت گیرد.

۶-۲-۳. راهبرد ششم: اولویت رسیدگی به طبقات پایین اجتماع

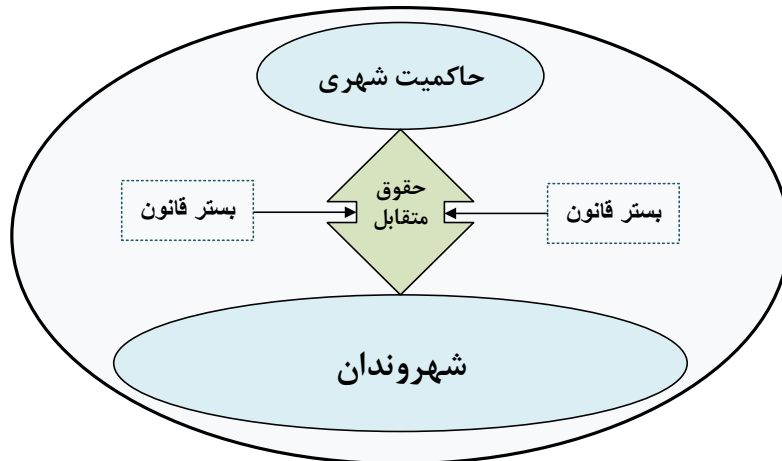
طبقات پایین اجتماع و یا نیازمندان جامعه، افرادی هستند که طی فرایندهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی صورت گرفته در جامعه و یا به تعبیر دیگر به دلایل طبیعی و انسانی مختلف و بی‌عدالتی‌های ناشی از آنها، نتوانسته‌اند انتفاع لازم را از حقوق عمومی خود ببرند و معمولاً دسترسی کافی به خدمات عمومی و یا توان بهره‌برداری از آنها را ندارند. بر همین اساس، مطابق منابع دینی بررسی شده و کدهای تحلیل شده، توجه ویژه به این طبقات و اولویت قائل شدن برای آنها در برنامه‌های عدالت‌محورانه، یکی از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین راهبردهای مورد تأکید است. مبنای این راهبرد، اصول چهارگانه «تساوی در حقوق عمومی»، «انتفاع همگانی در امور عمومی»، «دسترسی برابر به خدمات عمومی» و «عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی-اجتماعی» است. در سایه این اصول و راهبرد یادشده، به نظر می‌رسد از منظر منابع دین اسلام و اصول عدالت فضایی اسلامی، مأموریت ویژه نهادهای حکومتی مسئول درباره توزیع‌های عمومی، پرداختن به مسائل طبقات پایین اجتماع و رفع نیازمندی‌های ضروری نیازمندان است.

۷-۲-۳. راهبرد هفتم: توزیع منابع بر اساس کارایی و استحقاق

همان‌گونه که در بخش اصول عدالت فضایی بیان شد، برخلاف حقوق عمومی که طی آن منابع به صورت یک‌سان بین همه توزیع می‌شوند، در حقوق اکتسابی مبنای عدم تساوی و برابری در دریافت‌ها و توزیع‌هاست. البته بدیهی است که در توزیع منابع بر اساس حقوق اکتسابی، هر مرجّحی پذیرفتنی نیست؛ بلکه این توزیع باید بر مبنای معیارهای عدالت فضایی صورت گیرد. راهبرد یادشده بر مبنای اصل «عدم تساوی در حقوق اکتسابی» بر به‌کارگیری معیارهای دقیق در توزیع منابع اشاره می‌کند.

گفتنی است که راهبردها ارتباط مستقیمی با اصول دارند و باید در چارچوب کلی اصول عدالت فضایی و هم‌راستا با آنها تنظیم شوند. شکل شماره ۶ ارتباط بین راهبردها یا سیاست‌های کلان عدالت فضایی را با اصول اساسی عدالت فضایی نشان می‌دهد.

شکل شماره ۵. عناصر اصلی جامعه اسلامی و روابط متقابل آنها



۳-۲-۳. راهبرد سوم: توزیع فضایی برابر خدمات

«توزیع فضایی برابر خدمات» یکی از راهبردهای اساسی در راستای تحقق عدالت فضایی در حوزه حقوق عمومی است. مبنای این راهبرد، اصل «تساوی در حقوق عمومی» است.

۳-۲-۴. راهبرد چهارم: اولویت دادن به فعالان عرصه‌های مختلف اجتماع

مطابق تحلیل‌ها و بررسی‌های صورت‌گرفته، اساس شکل‌گیری و پایداری اجتماعات انسانی، رفع نیازهای مختلف ساکنان اجتماع در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... و ارائه و دریافت خدمات در این عرصه‌هاست. براین اساس بدیهی است که فعالان این عرصه‌ها که موجبات پایداری اجتماع و رفع نیازمندی‌های شهروندان را فراهم می‌کنند، مورد توجه ویژه در تخصیص حقوق اکتسابی قرار گیرند. این امر از سویی موجب تشویق فعالان و از سوی دیگر موجب ترغیب دیگر افراد اجتماع به فعالیت‌های یادشده می‌شود. با نظر به اصول استخراج‌شده، مبنای این راهبرد، اصل «عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی-اجتماعی» است. بر پایه این اصل، «فعالیت» به عنوان معیاری برای ترجیحات حقوق اکتسابی، موضوعیت می‌یابد.

۳-۲-۵. راهبرد پنجم: حمایت از طبقات و اقشار مختلف به اقتضای شرایط

مبنای این اصل و راهبرد دو اصل «عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی-اجتماعی» و «رعایت

۱-۲-۳. راهبرد اول: ایجاد بستر قانونی مناسب برای جلوگیری از ظلم

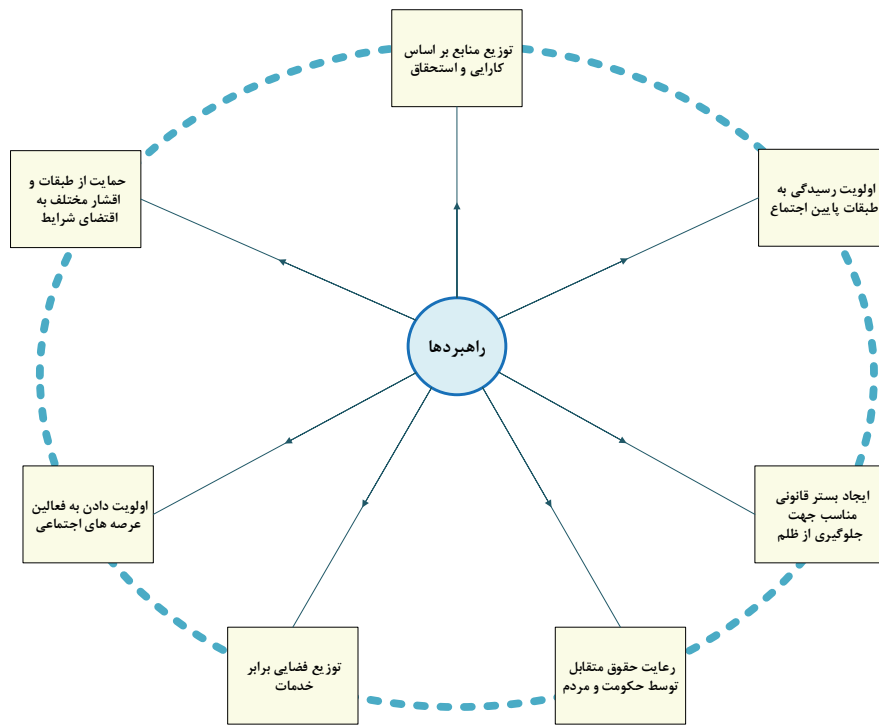
ظلم ضد عدالت و در واقع به معنای نبود عدالت است. بدیهی است که تنها مسیر پیاده‌سازی اصول عدالت در شهر و جامعه، و مبنای اقدامات آن، مسیر قانون است؛ چه اینکه در صورت فقدان قوانین موضوعه مرتبط، اقدامات عدالت‌محورانه با تفسیر به رأی و مصلحت‌اندیشی‌های ناعادلانه، از فرایند اصلی خود منحرف می‌شود و چه بسا موجبات تشدید بی‌عدالتی‌های اجتماعی و فضایی را فراهم آورد. بر همین اساس، یکی از اصلی‌ترین راهبردهای مربوط به تحقق عدالت فضایی و دستیابی به اهداف آن، ایجاد بستر قانونی آن و تدوین قوانین موضوعه عرصه‌های مختلف شهری است. پرواضح است که منظور از «بستر قانونی مناسب»، قوانین عادلانه‌یاریگر فرایندها و اقدامات عادلانه است؛ وگرنه خود قانون نیز می‌تواند زمینه‌ساز بی‌عدالتی و ایجاد بستر مناسب برای رویش اقدامات ظالمانه باشد.

۲-۲-۳. راهبرد دوم: رعایت حقوق متقابل توسط حکومت و مردم

در جامعه و شهر اسلامی سعادت شهروندان ذیل قوانین و احکام اسلامی، هدف و غایت اصلی است. تشکیل حکومت اسلامی نیز با محوریت همین هدف معنا و مفهوم می‌یابد. بر همین اساس، شهروندان، محور و موضوع اصلی سیاست‌های عدالت اجتماعی و فضایی، و حکومت نیز معجری اصلی این سیاست‌ها و مهم‌ترین نهاد تأثیرگذار در فرایند پیاده‌سازی عدالت به شمار می‌آیند. با این اوصاف، رابطه متقابل شهروندان و نهاد حاکمیت شهری، یکی از ضرورت‌های قوام شهر اسلامی است که جز از طریق حقوق متقابل مشخص امکان‌پذیری صحیحی نمی‌یابد. بنابراین رابطه متقابل شهروندان و نهاد حاکمیت شهری در بستر قانون، حقوق متقابلی را شکل می‌دهد که رعایت آن از سوی شهروندان و حاکمیت، به عنوان یکی از راهبردهای اصلی، لازمه پیاده‌سازی اصول عدالت فضایی در اجتماع و شهر است (شکل شماره ۵).

سیاست‌های کلان یا راهبردها عبارت‌اند از روش‌های اصلی و کلان جهت دستیابی به اهداف و انجام مأموریت‌ها. در واقع سیاست‌های کلان یا راهبردها، روش‌های اصلی و مادر برای نیل به موفقیت در هر مأموریت است. راهبردها، راهکارها و روش‌ها به طور کلی درباره «چگونگی» و «شیوه» دست یافتن به موفقیت در مأموریت است. برای موفق شدن در هر مأموریت، یک یا چند سیاست کلان اتخاذ می‌شود که امور اجرایی بر اساس آنها سامان می‌یابند (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳).

شکل شماره ۴. مفاهیم اصلی مقوله «راهبردها»

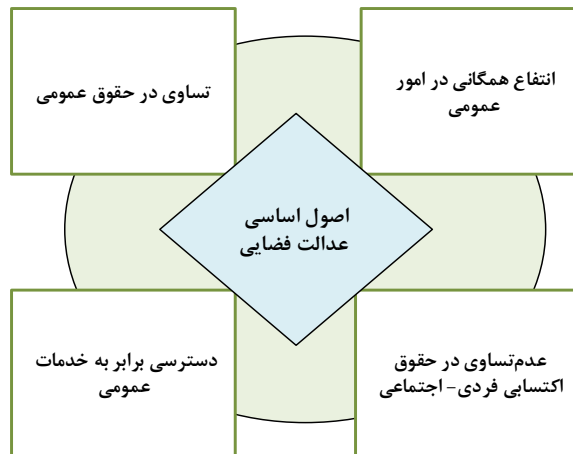


با نظر به شکل شماره ۴، در ادامه به بررسی مفاهیم اصلی مرتبط با راهبردهای عدالت اجتماعی و فضایی در شهر اسلامی و تبیین ارتباط آنها با دیگر مقوله‌ها و مفاهیم اصلی، از جمله «اصول عدالت فضایی» (که مبنای راهبردها و سیاست‌های کلان‌اند) می‌پردازیم.

بر اساس اصل برابری جایگاه‌ها در برابر قانون و مطابق این اصل، نه تنها هیچ مصونیتی برای مسئولان حکومتی در مقابل احکام جبرانی، کیفری و تصحیحی عدالت وجود ندارد، بلکه به دلیل تأثیرگذاری بالای ایشان در مقیاس اجتماع و کشور، احکام و مجازات‌ها، شدت بیشتری خواهند داشت.

یکی از موارد اساسی که درباره اصول عدالت فضایی قابل بیان است، یک پارچگی این اصول و لزوم پیوستگی آنها در مقام عمل و اقدام است؛ چه اینکه هر کدام از این اصول مغفول واقع گردد، دستیابی به اهداف عادلانه، ناممکن خواهد شد و یا به صورت ناقص انجام خواهد گرفت. بر اساس توضیحات ارائه شده درباره اصول عدالت فضایی و بررسی ابعاد و روابط آنها، می‌توان اصول یادشده را به اصول اساسی و اصول فرعی تقسیم کرد. اصول اساسی که محور عدالت فضایی‌اند و مابقی اصول، به نوعی از آنها مشتق شده‌اند، عبارت‌اند از: تساوی در حقوق عمومی (برابری توزیع)، عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی - اجتماعی، دسترسی برابر به خدمات عمومی، انتفاع همگانی در امور عمومی (شکل شماره ۳).

شکل شماره ۳. اصول اساسی عدالت فضایی



۲-۳. مقوله راهبردهای عدالت اجتماعی و فضایی

یکی دیگر از مقولات اساسی که در نتیجه تحلیل و بررسی منابع و داده‌ها و طی فرایند کدگذاری به دست آمده، مقوله راهبردهای عدالت اجتماعی و فضایی است. براساس ادبیات مدیریت راهبردی،

باشد، بُعد مسافت نباید تأثیر منفی در دریافت خدمات توسط برخی شهروندان ایجاد کند. این اصل را به نوعی می‌توان ذیل اصل اول تعریف کرد که بر روی وجه فضایی برابری و عدالت تأکید می‌کند.

۳-۱-۶. اصل ششم: عدم اختصاصی‌سازی اموال و منافع عمومی

منظور از اختصاصی‌سازی در این اصل، تخصیص و یا خصوصی کردن منابع عمومی است. بر پایه این اصل، اختصاص اموال، منابع، منافع و یا خدماتی که متعلق به عموم شهروندان است، به نفع فرد یا طبقه و گروه خاص، و یا متمرکز کردن آنها در محله یا محدوده‌ای مشخص که مانع از دستیابی دیگر شهروندان بدانها گردد، ممنوع و مخالف عدالت است. این اصل نیز به نوعی به بعد فضایی عدالت و عدم تمرکز و تجمع منابع از نظر جغرافیایی و غیر جغرافیایی اشاره دارد. عدم تنظیم و تصویب آن دسته از قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی که منابع را به سمت افراد، مجموعه‌ها و یا محدوده‌های خاصی هدایت می‌کنند، نیز در دایره شمول این اصل قرار دارد.

۳-۱-۷. اصل هفتم: انتفاع همگانی در امور عمومی

اصل انتفاع همگانی به بُعد دیگری از عدالت اشاره می‌کند که در کنار توزیع و دسترسی برابر، رعایت آن لازمه پیاده‌سازی صحیح عدالت است. در واقع این امکان هست که در توزیع یک خدمت عمومی توسط نهاد مدیریت شهری، اصل برابری توزیع و دسترسی برابر رعایت شده باشد، ولی همه شهروندان امکان انتفاع از آن را نداشته باشند. برای نمونه اگر سیستم اتوبوسرانی و ایستگاه‌های آن با کمیت و کیفیت برابر در دسترس ساکنان تمامی محلات شهری قرار گیرد، ولی گروهی از افراد اجتماع همچون معلولان و یا سالمندان به دلیل عدم مناسب‌سازی سیستم، نتوانند از آن استفاده کنند، در این حالت، به رغم رعایت اصل توزیع و دسترسی برابر، اصل انتفاع همگانی در خدمات عمومی رعایت نشده است. بر اساس منابع بررسی شده، در میان ارزش‌ها و خصلت‌های متناسب با اجتماعات انسانی، عدالت نافع‌ترین خصلت و ارزش به شمار می‌آید. بر همین مبنا، انتفاع همگانی جزو اصول اساسی عدالت و به‌ویژه عدالت فضایی به شمار می‌رود.

۳-۱-۸. اصل هشتم: عدم مصونیت حاکمان و مسئولان در برابر عدالت

این اصل به نوعی تخصیص موضوع اصل دوم درباره مسئولان حکومتی و دولتی جامعه است.

می‌آید و یا در مقیاس فردی، اگر مساحت زمین مالکی برای احداث واحد مسکونی کم باشد، نمی‌تواند مجوز تراکم بالا برای این زمین دریافت کند. در مقابل اگر شخص دیگری دارای مساحت استاندارد باشد، این مجوز به او تعلق می‌گیرد.

در موضوع حقوق اکتسابی با افراد به صورت برابر برخورد نمی‌گردد، بلکه طبق ضوابط و قوانین مربوطه با هر شخص متناسب با داشته‌ها، آورده‌ها و یا میزان فعالیت و تلاش صورت گرفته رفتار می‌شود.

۴-۱-۳. اصل چهارم: رعایت اقتضای زمان در دریافت تعرفه‌ها

مفهوم اصلی این اصل، انعطاف در اجرای قوانین و آیین‌نامه‌ها، دریافت تعرفه‌های خدمات و عوارض شهری، و در نظر گرفتن شرایط شهروندان در زمان‌های مختلف است. برای نمونه در این زمینه می‌توان به کاهش تعرفه خدمات و یا عدم دریافت برخی عوارض از شهروندان، کسبه، صنعتگران و ... در شرایط رکود اقتصادی و یا ارائه یارانه‌های هدفمند در زمان‌های خاص اشاره کرد. بر پایه مفاهیم و کدهای مربوط به این اصل، دریافت عوارض و مالیات‌های قانونی از مردم، بدون ایجاد زمینه‌های لازم برای توسعه و رونق شهر و فعالیت‌های شهری (صنعت، خدمات و ...)، اقدام عادلانه‌ای نیست. در واقع، نهادهای مدیریتی و دولتی در ابتدا باید زمینه‌های رونق و توسعه اقتصادی را فراهم آورند و به تبع آن انتظار دریافت حقوق قانونی را از شهروندان داشته باشند. این اصل را می‌توان به عنوان یک اصل جانبی و یا به عنوان یک شرط مداخله‌ای در فرایند اجرای عدالت در نظر گرفت.

۵-۱-۳. اصل پنجم: دسترسی برابر به خدمات عمومی

اصل «دسترسی برابر به خدمات عمومی»، دقیقاً به بُعد فضایی عدالت اجتماعی و یا عدالت فضایی اشاره دارد. این اصل را می‌توان اصل اختصاصی عدالت فضایی دانست. بر پایه این اصل نوع پراکنش خدمات عمومی در سطوح مختلف شهری و سرزمینی، باید به گونه‌ای انجام شود که همه شهروندان دسترسی مناسبی به این خدمات داشته باشند. بر اساس این اصل، همه نقاط و محلات شهری باید به طور یکسان تحت پوشش خدمات عمومی قرار گیرند. در واقع هیچ محله یا نقطه‌ای از شهر نباید به دلیل فاصله از مرکز خدمات، و یا تمرکز خدمات در نقطه‌ای خاص، از بهره‌مندی از خدمات محروم گردد. در اصل، اگر خدمات مربوطه جزو حقوق عمومی شهروندان

در ادامه به تشریح و توضیح اصول فوق می‌پردازیم.

۱-۱-۳. اصل اول: تساوی در حقوق عمومی

بر اساس کدها و مفاهیم استخراج‌شده، اصل تساوی در حقوق عمومی، به معنای رعایت مساوات در توزیع تمامی اعانات، برخورداری‌ها و منابع، بین تمامی شهروندان است. مبنای این اصل حق طبیعی اجتماعی افراد است. در واقع منظور از این اصل، برخورد مساوی با تمامی شهروندان در تمامی فضاها و سطوح اجتماعی است. مطابق این اصل در حقوق مربوط به عام، اعم از اموال، خدمات، منابع، فرصت‌ها و...، نباید هیچ مرجحی برای توزیع در نظر گرفته شود. برای نمونه، طبق این اصل، نهاد مدیریت و حاکمیت شهری موظف است خدمات مربوط به جمع‌آوری و دفع زباله‌های شهری را برای تمامی نقاط شهری با کیفیت و کمیت یکسان به انجام رساند.

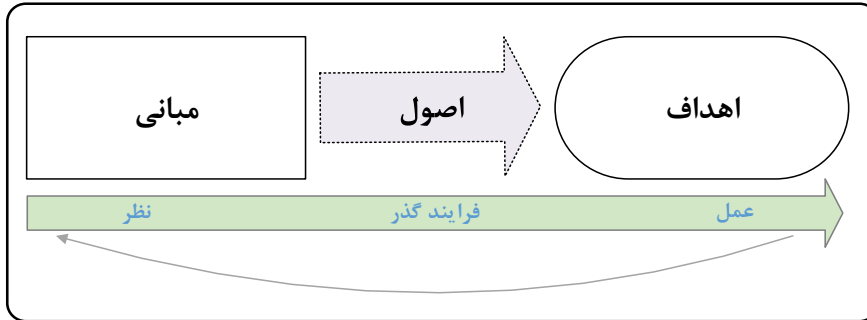
۱-۲-۳. اصل دوم: عدم موضوعیت جایگاه و مقام افراد در اجرای عدالت

منظور از این اصل، جایگاه برابر همه شهروندان و افراد اجتماع در برابر قوانین و در زمان اجرای عدالت است. بر پایه این اصل جایگاه و مقام افراد در مقابل قانون، جایگاهی برابر است. بر همین اساس در اجرای عدالت، هم در مقام توزیع منابع و خدمات و هم در مقام تصحیح و جبران بی‌عدالتی‌ها، افراد خاص، محلات و یا مناطق خاص، هیچ ارجحیتی نسبت به دیگر افراد، محلات یا مناطق ندارند.

۱-۳-۳. اصل سوم: عدم تساوی در حقوق اکتسابی فردی - اجتماعی

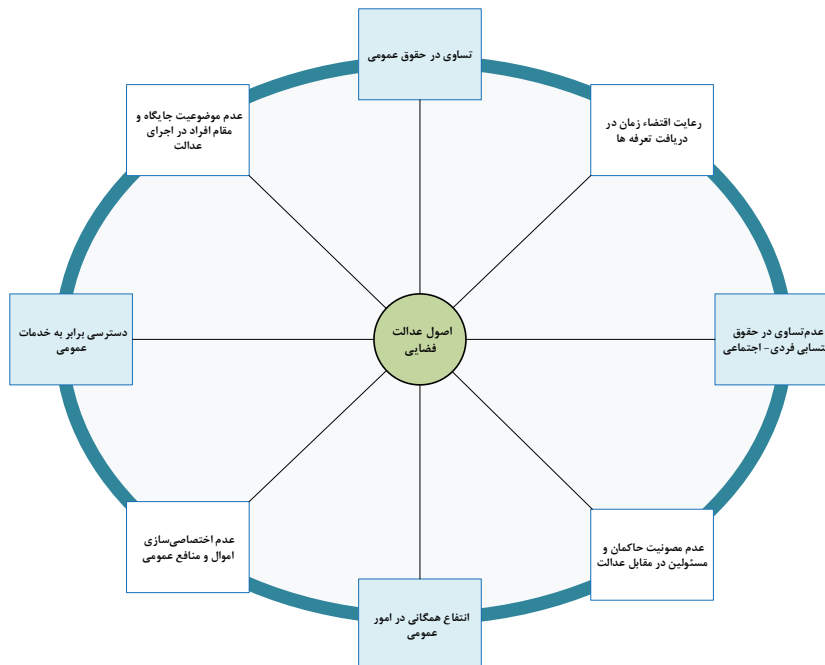
حقوق اکتسابی تقریباً در نقطه مقابل حقوق عمومی قرار دارند. به تمامی حقوق و یا امتیازاتی که به واسطه انجام فعلی خاص، دستیابی به جایگاهی مشخص و یا اکتساب شرایطی ویژه نصیب افراد می‌شوند، حقوق اکتسابی می‌گویند. منظور از افراد، تمامی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی و یا افراد، شرکت‌ها، محلات، نواحی و مناطق شهری هستند که قابلیت کسب امتیاز و یا شرایط خاصی را دارند. حقوق اکتسابی، حاصل تلاش فردی یا جمعی بخشی از افراد جامعه یا ساکنان واحدهای تقسیمات درون شهری است که به موجب آن حائز شرایط دریافت خدماتی ویژه می‌شوند. برای نمونه، پارک یا بوستانی که در نتیجه آزادسازی بخشی از مساحت زمین‌های مالکان در محلات بافت‌های فرسوده تحت بازسازی ایجاد می‌گردد، جزو حقوق اکتسابی اهالی این محلات به شمار

شکل شماره ۱. نقش اصول در فرایند گذر از بنیادهای نظری به اجرا



با توجه به اهداف پژوهش حاضر، یکی از مقوله‌های اصلی که در فرایند به‌کارگیری نظریه داده‌بنیاد و حول مفهوم عدالت اجتماعی و فضایی نمود یافت، مقوله «اصول» است. متعاقب تحلیل‌های صورت‌گرفته، در نهایت تعداد هشت اصل کلی عدالت اجتماعی و فضایی در قالب مفاهیم متناسب به «بایدها و نبایدها»، از تعداد ۳۸ کد مرتبط به دست آمد که در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.

شکل شماره ۲. اصول عدالت فضایی حاصل از منابع اسلامی



$$p = \sum_{i=1}^n n_{ci}(n_{ci} - 1) + (n_{ci} * n_{ct})$$

گفتنی است که این پژوهش، پژوهش کلانی بوده است که در راستای دستیابی به نظریه اسلامی عدالت اجتماعی و فضایی به انجام رسیده است و در این راستا، مقولات پرشماری در ابعاد مختلف نظریه عدالت اجتماعی و فضایی اسلامی حاصل شده که با نظر به عنوان مقاله و بر مبنای مقوله‌های اصول، راهبردها و راهکارها و با صرف نظر از دیگر مقولات استخراجی، به تبیین مدل استراتژیک عدالت فضایی پرداخته می‌شود.

۱-۳. اصول عدالت اجتماعی و فضایی

«اصل، معادل کلمه انگلیسی Principle و در لغت به معنای ریشه، اساس و مبدأ است و در اصطلاح، در علوم مختلف به معانی گوناگونی به کار رفته است. از جمله:

- تکیه‌گاه بنیادی درون یک ساخت؛
- قوانین حاکم بر پویایی و تحول یک ساخت؛
- هر خرده‌ساختی که ساخت‌های دیگر از آن ناشی شوند؛
- ریشه یا سرچشمه یک شیء یا ساخت؛
- بایدها و نبایدها به مثابه راهنمای عمل برای رسیدن از مبانی به اهداف؛
- راهنمای عمل در محدوده‌ای که مبانی، آن را تحمیل می‌کند» (اصغری، ۱۳۸۶، ص ۴-۱۴).

با نظر به تعابیر یادشده می‌توان عنوان کرد که اصول از جنس «بایدها و نبایدها» و منبعث از هست‌ها و مبانی‌اند که به عنوان جزء اصلی نظریات کاربردی، نقش راهنمای عمل در گذر از مبانی به تحقق اهداف را ایفا می‌کنند. در واقع، یک اندیشه و ارزش برخاسته از مبادی حقیقت، زمانی می‌تواند در ساحت عمل و اجرا کاربست یابد که بتوان آن را در قالب اصول معین انتزاع کرد و آن را محور پایدار و راهنمای لاقیداً اقدامات با نظر به تحقق هدف قرار داد. مدل زیر به تبیین رابطه بین مبانی، اصول و اهداف می‌پردازد.

که در ادامه به تشریح آنها می‌پردازیم.

با توجه به بهره‌گیری از روش گراند تئوری، در جدول شماره ۱، آمار کمی بررسی و تحلیل نمونه‌های انتخاب‌شده از نظر تعداد بخش‌ها، کدها، مفاهیم استخراجی و مفاهیم تقویت‌شده گزارش شده است.

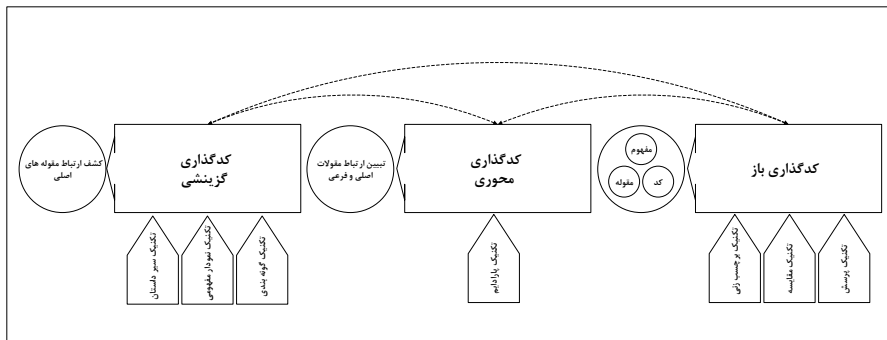
جدول شماره ۲. آمار کمی بررسی نمونه‌های پژوهش

ردیف	عنوان نمونه	حجم منبع	بخش	کد	مفهوم جدید	مفهوم تقویت‌شده
۱	نامه ۵۳ نهج البلاغه	یک نامه	۴۹	۷۳	۶۵	-
۲	غررالحکم و دررالکلم	۱۱۰۵۰ حدیث	۵۶	۵۷	۱۸	۱۱
۳	خطبه‌های نهج البلاغه	۲۴۱ خطبه	۳۲	۳۷	۶	۱۸
۴	نامه‌های نهج البلاغه	۷۹ نامه	۱۱	۱۳	۶	۴
۵	حکمت‌های نهج البلاغه	۴۸۰ حکمت	۱۲	۱۵	۳	۹
۶	جمع	-	۱۶۰	۱۹۵	۹۸	۴۲

با توجه به بررسی و تحلیل نمونه‌های انتخاب‌شده و کدها و مفاهیم به‌دست آمده، و بر اساس فرایند روش شناسی نظریه‌پردازی داده بنیاد، با استفاده از تکنیک مقایسه و سؤال و بررسی ابعاد و ویژگی‌های کدها و مفاهیم حاصله و بررسی ارتباطات آنها، مفاهیم در قالب مفاهیم اصلی و مقوله‌ها مجدداً در سطح انتزاعی تری طبقه‌بندی شدند. این کار که نیازمند تفکر انتزاعی و قدرت تحلیل لازم است، برای دستیابی به الگوی نظری مورد نظر تحقیق ضروری است. گفتنی است که با نظر به تعداد کدها و مفاهیم به‌دست آمده، و بر اساس رابطه^۱ زیر، جدول مفاهیم و مقولات نهایی حاصل دست‌کم حدود بیست هزار مقایسه زوجی کدها و مفاهیم می‌باشد.

۱. معمولاً از رابطه $p = \frac{n(n-1)}{2}$ برای تعیین حجم مقایسه‌های زوجی استفاده می‌شود؛ اما در این پژوهش علاوه بر مقایسه زوجی کدها با یکدیگر، کدهای حاصل از هر مرحله با فراوانی تجمعی مفاهیم حاصل از مراحل قبل نیز مقایسه شده است. از سوی دیگر، معمولاً در مقایسه‌های زوجی معمول به عنوان نمونه وقتی کد a با کد b مقایسه می‌شود، مجدداً کد b با کد a مقایسه نمی‌گردد؛ ولی در پژوهش حاضر با نظر به ماهیت روش انتخابی مقایسه‌های مجدد نیز صورت گرفته است. بر همین اساس از رابطه عنوان‌شده برای نشان دادن حجم مقایسات بهره گرفته شده است. عبارت‌های رابطه عنوان‌شده به شرح ذیل اند: P: تعداد مقایسه‌های زوجی؛ n_پ: تعداد کدها در هر مرحله؛ n_پ: فراوانی تجمعی مفاهیم مرحله قبل.

شکل ۱. فرایند تحلیل در روش نظریه‌پردازی داده‌محور



با نظر به روش‌شناسی کیفی انتخاب‌شده، روش نمونه‌گیری انتخاب‌شده برای فاز اکتشافی پژوهش، نمونه‌گیری نظری به شیوه هدفمند است. در این روش، گردآوری داده‌ها تنها زمانی به پایان می‌رسد که با سطحی از اشباع نظری روبه‌رو شویم. براین اساس با نظر به بهره‌مندی از منابع اسلامی، داده‌ها و اطلاعات لازم از کتاب شریف نهج‌البلاغه و کتاب حدیث غررالحکم و دررالکلم که شامل مجموعه بیانات و مکاتبات حضرت علی علیه السلام هستند، با استفاده از هر دو روش لغت‌کاوی و معناکاوی استخراج شده‌اند. گردآوری داده‌های تحقیق در این مرحله به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از روش کدگذاری باز نظریه‌داده‌بنیاد و در مواردی با الهام از روش تحلیل اسنادی و به طور پیوسته و مداوم در اثنای تحقیق و هم‌زمان با تحلیل انجام گرفته است. تحقیق حاضر از نظر هدف جزو تحقیقات بنیادی است؛ ابزارش غیرآزمایشی است، و از نظر روش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیلی انجام شده است. همچنین از آنجاکه «مدل‌ها منعکس‌کننده واقعیت هستند و جنبه‌های معینی از دنیای واقعی را که با مسئله تحت بررسی ارتباط دارند مجسم می‌سازند» (خاکی، ۱۳۷۸، ص ۸۵)، در پژوهش حاضر برای عینیت‌بخشی و توصیف خروجی‌ها و نتایج اکتشافی پژوهش از استخدام مدل‌های مفهومی و نظری بهره‌برداری شده است.

۳. یافته‌های تحقیق

بر پایه مقدمه تحقیق، اهداف اصلی پژوهش حاضر «دستیابی به مدل راهبردی عدالت اجتماعی و فضایی مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی در راستای تدوین بخشی از مبانی نظری شهر اسلامی» است. با توجه به این هدف و روش به‌کارگرفته‌شده در پژوهش حاضر، نتایج درخور توجهی به دست آمد

نظری شهر اسلامی و رویکردهای تولید علم دینی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. براین اساس از میان رویکردهای حاکم بر مطالعات شهر اسلامی،^۱ رویکرد ساختارشکنانه (یا نقادانه)، از بین رویکردهای تدوین مبانی نظری شهر اسلامی^۲ رویکرد بینابینی، و از میان رویکردهای تولید علم دینی^۳ رویکرد تأسیسی مد نظر بوده است.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس رویکرد تحقیق کیفی و با بهره‌گیری از روش نظریه‌پردازی داده‌محور^۴ انجام گرفته است. «در نظریه‌پردازی داده‌محور بر خلاف فرایند تحقیق خطی و نشئت گرفته از نظریه، به جای فرضیات نظری، به داده‌ها و میدان تحقیق اولویت داده می‌شود. در اینجا فرض بر این است که محقق باید دانش نظری پیشینی را که با خود به میدان می‌آورد دست‌کم موقتاً کنار بگذارد» (فلیک، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸).

نظریه داده‌محور یا نظریه مبنايي نظریه‌ای است که به صورت نظام‌مند^۵ و با رویکرد استقرایی^۶ (از جزء به کل) از مطالعه یک پدیده خاص به دست می‌آید و نمایانگر آن پدیده است. در بسیاری از روش‌ها محقق از یک فرضیه آغاز می‌کند و مسیری ویژه را برای اثبات آن فرضیه می‌پیماید؛ اما در روش نظریه مبنايي در یک فرایند رفت و برگشتی متقابل بین گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها، نظریه، کشف و استخراج می‌شود (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰، ص ۲۲-۲۳). در واقع نظریه داده‌بنیاد عبارت است از فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده، به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین، در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند (منصوریان، ۱۳۸۶، ص ۵).

فرایند تحلیل طراحی شده برای بهره‌گیری از روش گراند تئوری و انواع تکنیک‌های مورد استفاده در مراحل مختلف آن به شرح شکل شماره یک می‌باشد.

۱. برای اطلاع از «انواع رویکردهای حاکم بر مطالعات شهر اسلامی»، ر.ک: عمران‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴.

۲. برای اطلاع از «انواع رویکردهای تدوین مبانی نظری شهر اسلامی»، ر.ک: شکرانی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۲-۲۴۴.

۳. جهت اطلاع از «انواع رویکردهای تولید علم دینی»، ر.ک: باقری، ۱۳۸۲، ص ۲۵۰.

4. Grounded Theory

5. Systematic

6. Induction

ردیف	نظریه پرداز	برداشت از عدالت	توضیح
۸	خواجه نصیرالدین طوسی	عدالت کارویژه دولت و حاصل عمل به قوانین برآمده از شرع است.	سیاست جاری در مدینه فاضله از جنس امامت است و سیاست فاضله، همان سیاست امامت است.
۹	غزالی	گاهی عدالت را حد وسط بین افراط و تفریط (همانند ارسطو) و گاهی آن را تعادل بین قوای مختلف نفس می‌داند (مانند افلاطون).	-
۱۰	ملاصدرا	انسان به حکم سرشت خویش خودخواه و سلطه‌گر است، و به همین دلیل به عدالت محتاج است، و اجرای اصول عدالت اجتماعی در گرو تأسیس حکومت و قدرت سیاسی می‌باشد. این قدرت باید از طرف شرع معین گردد.	به‌ناچار باید فردی به نام واضع شریعت در میان افراد بشر باشد تا قوانین را بدان‌گونه که در کتب فقه بیان شده است به آنان تعلیم دهد.
۱۱	علامه طباطبائی	انسان با هدایت طبیعت و تکوین، پیوسته از همه، سود خود را می‌خواهد (اعتبار استخدام) و برای سود خود، سود همه را می‌خواهد (اعتبار اجتماع) و برای سود همه، عدل اجتماعی را می‌خواهد (اعتبار حسن عدالت و قبح ظلم).	-
۱۲	شهید مطهری	عدالت به سه معنای موزون و متعادل بودن، مساوات و نفی هر گونه تبعیض و رعایت حقوق افراد و عطا کردن حق هر ذی‌حق به اوست.	افرادی که از لحاظ خلقت در شرایط مساوی هستند، قانون باید با آنها به مساوات رفتار کند، اما افرادی که خود در شرایط مساوی نیستند، قانون هم نباید با آنها به طور مساوی رفتار کند. حقوق طبیعی فردی، به علت اختلاف استحقاق‌ها مختلف‌اند، ولی حقوق طبیعی اجتماعی بشر، مساوی و مشابه هستند.

در زمینه تولید علم بومی و نظریه‌پردازی در حوزه‌های تخصصی، علاوه بر روش‌شناسی تحقیق، انتخاب نوع رویکرد به حل مسئله در سطوح مختلف، اهمیت فراوان دارد: «مفهوم رویکرد به مثابه طریقی برای نزدیک شدن به مسئله و رهیافتی برای شکار نظریه به‌کار می‌رود؛ درحالی‌که از روش به عنوان ابزاری برای نقد و ارزیابی فرضیه به دست آمده، استفاده می‌کنیم» (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۷-۲۲۸). با توجه به اهمیت تعیین و گزینش رویکرد مناسب در تحقیق حاضر، انجام این کار مهم در سه زمینه رویکردهای حاکم بر مطالعات شهر اسلامی، رویکردهای تدوین مبنای

اشکال و قالب‌های مختلفی ظهور و بروز یافته است. در جدول شماره ۱، به برخی از مهم‌ترین نظرات متفکران اسلامی و غیراسلامی درباره موضوع عدالت اشاره شده است.

جدول شماره ۱. خلاصه نظریات متفکران مختلف درباره عدالت (منبع: عمران‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۳۵-۵۱)

ردیف	نظریه پرداز	برداشت از عدالت	توضیح
۱	افلاطون	فضیلتی است که صفات دیگر را به وجود آورده و مادامی که با آنها توأم باشد وسیله ابقا و محافظت آنهاست.	عدل عبارت است از تربیت سلسله‌مراتب اجزای نفس به نحوی که به حکم طبیعتشان بعضی تابع بعضی دیگر شوند.
۲	ارسطو	عدالت همان حد وسط بین افراط و تفریط است.	عدالت یعنی رفتار برابر با افراد برابر و رفتار نابرابر با افراد نابرابر تا جایی که به وجوه نابرابر آنها مربوط می‌شود.
۳	هابز	عدالت همان حفظ و رعایت قرارها و قراردادهای اجتماعی است.	در وضع طبیعی که در آن دولتی نیست قانون، اخلاق، عدالت و انصاف معنایی ندارد. همه این مفاهیم به واسطه تشکیل دولت معنا می‌یابند یا به وجود می‌آیند.
۴	هیوم	عدالت امری ساختگی و بر اساس قرارداد می‌باشد و نفس این قوانین هر چه باشد به علت اینکه ویژگی سودمندی آنها را همراهی می‌کند، فضیلت است و تمایل به اطاعت از آنها نیز فضیلت است.	هیچ انگیزه درونی‌ای ما را به عدالت و احترام به مالکیت دیگران و عدم سلب دارایی آنها دعوت نمی‌کند.
۵	رالز	در وضعیت اولیه که شرایط افراد نهایت اهمیت را دارد، اگر آزادی و برابری و انتخاب آگاهانه و غیراجباری را در نظر بگیریم، در نتیجه هر آنچه افراد بر آن توافق کنند عادلانه خواهد بود (نظریه عدالت انصافی).	وضعیت اولیه وضعیتی است که در آن، انسان‌ها در حالت بی‌خبری و غفلت از منافع خود به سر می‌برند.
۶	فارابی	عدالت به معنای تقسیم خیرات و خوبی‌ها میان اهل مدینه فاضله با تحکم و تحفظ بر اصل اعتدال و اجتناب از افراط و تفریط است.	نظام احسن اجتماع آن نظامی است که با نظام خلقت جهان و نظام خلقت انسان متطابق و هماهنگ باشد و عدالت نیز عبارت از همین است.
۷	ابن سینا	عدالت یعنی «اعطاء کل ذی حق حقه» و «وضع کل شیء فی موضعه».	جامعه یک‌سان و بی‌طبقه و فاقد اختلاف و تمایز، که همه افراد آن در وضعیت یک‌سان و برابر باشند، سرنوشتی جز اضمحلال و نابودی ندارد، چه همه افراد این جامعه، مرفه و توانمند و غنی و مسرور و با قدرت باشند؛ و چه همگی در حال ناتوانی و فقر و ضعف به سر برند.

مدل استراتژیک عدالت اجتماعی و فضایی در شهر آرمانی اسلام در قالب «نظریه عدالت فضایی اسلام» یا «نظریه عدالت فضایی در شهر آرمانی اسلام» یاد کرد.

۱. ادبیات نظری پژوهش

در عصر کنونی، بسیاری از فیلسوفان علم بر این امر تأکید می‌ورزند که هر جامعه‌ای نیازمند به مجموعه دانشی است که متناسب با حافظه تاریخی و فرهنگی و به‌طور کلی سازگار با محیط زندگی آن جامعه باشد. براین اساس جهان‌شمول بودن بسیاری از نظریات، نه‌تنها در حوزه علم‌الاجتماع و علوم انسانی، بلکه در حوزه علوم فیزیکی و مادی در معرض تردید قرار گرفته است. در این میان، کشورهای اسلامی با داشتن فلسفه زندگی خاص و فرهنگ متفاوت با دیگر کشورها، به نظریات ویژه خود نیاز دارند (دانایی فرد و مؤمنی، ۱۳۸۷، ص ۷۸). واقعیت این است که در زمینه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، چنین مبانی و دانشی که متناسب با داشته‌های تاریخی، فرهنگی و محیط بومی کشور باشد، کمیاب است. به همین دلیل و در چنین فقدان، اندیشه‌های وارداتی هستند که طی دهه‌ها و سده اخیر شهرها و سکونتگاه‌های ما را شکل می‌دهند و در نتیجه انواع مسائل، مشکلات و چالش‌های شهرهای ما به صورت لاینحل پابرجا مانده‌اند.

با توجه به بررسی‌ها و پژوهش‌های متعدد صورت گرفته از قبیل مرصوصی (۱۳۸۲)، خاکپور (۱۳۸۵)، بهروان (۱۳۸۵)، جوان و عبداللهی (۱۳۸۷)، داداش‌پور و رستمی (۱۳۹۰)، ضرابی و موسوی (۱۳۸۹)، رهنما و ذبیحی (۱۳۹۰)، وارثی و همکاران (۱۳۸۶)، کامران و همکاران (۱۳۸۹)، یکی از مسائل و مشکلات اساسی موجود در کشور عدم تعادل در پراکنش فضایی برخوردارها در بین مناطق و نواحی مختلف شهرها به‌ویژه کلان‌شهرها و بین شهرها و روستاها و مناطق مختلف است. در واقع یکی از مسائل و مشکلات موجود، نابرابری و بیعدالتی در پراکنش خدمات و تسهیلات است که از آن به فقدان عدالت فضایی تعبیر می‌گردد. این موضوع مسئله‌ای است که همه جوامع انسانی در همه کشورهای دنیا از کشورهای ظاهراً توسعه‌یافته تا کشورهای عقب‌مانده با شدت و ضعف متفاوت، با آن روبه‌رویند.

عدالت و عدالت اجتماعی، یکی از مفاهیم اصلی و ثابت در چارچوب نظری همه اندیشه‌ها، جهان‌بینی‌ها و مکاتب مختلف از ادیان آسمانی چون اسلام و مسیحیت گرفته تا مکاتبی چون سوسیالیسم و لیبرالیسم است که تعبیر، تعریف و تفسیر از آن در هر کدام از مکاتب و جهان‌بینی‌های عنوان‌شده در قالب انواع نظریه‌ها، متفاوت با دیگری است و به دنبالش، عینیت فضایی آن نیز به

حاصل شده از عواقب تسلط مظاهر و مبانی غربی در جوامع اسلامی به‌ویژه در حوزه شهر، شهرسازی و مدیریت شهری، برخی از اندیشمندان دغدغه‌مند با یک رویکرد انتقادی، بر لزوم تدوین مبانی نظری شهر اسلامی بر اساس تجارب ملی شهرسازی و با بهره‌گیری از منابع اسلامی موجود تأکید کرده‌اند» (عمران‌زاده و زیاری، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳۸). در زمینه شهر اسلامی، از حدود صد سال پیش، پژوهش‌های پرشماری به‌ویژه توسط برخی شرق‌شناسان انجام شده است که از جمله آنها می‌توان به ماسینیون (۱۹۲۰) و برادران مارسسی (۱۹۲۸ و ۱۹۳۷)، له‌تورنه (۱۹۳۵)، برونشوویگ (۱۹۴۷)، لاپیدوس (۱۹۶۷ و ۱۹۷۳)، ابولوقد (۱۹۸۷)، حکیم (۱۳۸۱) و ریموند (۲۰۰۸) اشاره کرد که با نگاه‌ها و رویکردهای مختلف و گاه متعارضی به موضوع شهر اسلامی پرداخته‌اند. البته این پژوهش‌ها آسیب‌های متعدد مطالعاتی نیز دارند (عمران‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳ الف و ب).

موضوع شهر اسلامی، موضوعی است که به رغم تلاش برخی صاحب‌نظران و اساتید و پژوهشگران رشته‌های شهرسازی، معماری و برنامه‌ریزی شهری و پیگیری‌های صورت‌گرفته توسط برخی نهادهای اجرایی مرتبط و مسئول در حوزه شهر و برنامه‌ریزی شهری، به‌ویژه طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی، همچنان با ابهامات و پرسش‌های پرشماری روبه‌روست که پاسخ‌گویی دقیق و علمی به این پرسش‌ها و رفع ابهام‌های موجود، نیازمند یک برنامه پژوهشی و علمی منسجم و همه‌جانبه است. بایسته است که اساتید و پژوهشگران صاحب‌فکر و نظر، با همکاری نهادهای اجرایی و علمی مرتبط به صورت عمیق و بنیادی این برنامه را پیگیری کنند.

از واپسین تلاش‌های صورت‌گرفته در زمینه تدوین مبانی نظری شهر اسلامی در داخل کشور طی سال‌های اخیر، می‌توان به ارائه فرانظریه «سلام» توسط نقره‌کار (۱۳۹۵)، تلاش برای تدوین شاخص‌های شهر آرمانی اسلام توسط پورجعفر و همکاران (۱۳۹۴) و پژوهش شناخت شهر آرمانی اسلام و ویژگی‌های اصلی و اصیل آن با مراجعه به قرآن کریم توسط نقی‌زاده (۱۳۹۴) اشاره کرد.

در راستای تلاش‌های علمی پیش‌گفته در زمینه تدوین مبانی نظری ساخت، مدیریت و برنامه‌ریزی شهر اسلامی، نگارنده در این مقاله به ارائه نتیجه پژوهش دوساله خود درباره یکی از اصلی‌ترین کلان‌شاخص‌های شهر اسلامی و جامعه اسلامی، یعنی عدالت اجتماعی و عدالت فضایی از منابع اسلامی بر پایه یک روش علمی، مبادرت ورزیده است که می‌توان از آن به عنوان

ایران در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی، مقاله حاضر بخشی از تلاش علمی است برای دستیابی به یک نظریه بومی مکتبی درباره مفهوم عدالت و اندیشه‌ورزی در محیط آن.

کلیدواژگان: شهر اسلامی، عدالت فضایی، اصول، راهبرد، راهکار، مدل مفهومی.

مقدمه

امروزه کمتر اندیشمند و پژوهشگر دغدغه‌مندی پیدا می‌شود که یکی از اصلی‌ترین مسیرهای تعالی جامعه در راستای دستیابی به افق تمدنی مطلوب و متناسب با بنیادها و بنیان‌های اعتقادی و فرهنگی جامعه را تحول در حوزه علوم انسانی و تولید دانش بومی نداند و از ضرورت این موضوع مهم غافل باشد. در واقع ما به علمی نیاز داریم که توان تولید روش‌ها، فرایندها، ساختارها و در نهایت فناوری‌های متناسب با آرمان‌ها، ارزش‌ها و آمال مکتب ما را که معطوف به واقعیت نظام هستی است، ایجاد کند و از دایره تکرار و حلقه محدود تقلید از اسلوب‌ها و نهج غالب فراتر رود. در این زمینه و برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی، موضوع و مسئله شهر و بالتبع علوم مرتبط با آن از قبیل برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و معماری، جامعه‌شناسی شهری، مدیریت شهری و...، از دو وجه اهمیت فراوان دارند: نخست، وجهی است همانند دیگر علوم و نقشی که در تولید علم بومی و اسلامی در حوزه موضوعی خود دارند؛ اما دومین وجه، به جایگاه شهر در شکلگیری تمدن‌ها و نقش آن در عینیت مظاهر تمدنی ارتباط دارد؛ به گونه‌ای که امروزه شناخت ما از تمدن‌های بنام گذشته، بیشتر از طریق آثار و مظاهر شهری برجای مانده از آنها روی می‌دهد تا عنصر دیگر تمدنی.

به رغم اهمیت فراوان موضوع شهر و کیفیت ساخت، برنامه‌ریزی و اداره آن با نگاه تمدنی، متأسفانه طی سده اخیر، مبانی و الگوهای وارداتی هستند که در غیاب مبانی نظری بومی و در تعارض با مبانی مکتبی ما (جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی) به شهرهای ما شکل می‌دهند و نمود عینی آنها در کالبد بسیاری از مراکز تجاری و مسکونی ما به‌ویژه در کلانشهرها، با شریعت و طریقت زیست مسلمانی همخوانی چندانی ندارد.

بر همین اساس و با نظر به اهمیت موضوع شهر، «طی دو سه دهه اخیر و بر مبنای تحولات فرهنگی و سیاسی بعد از انقلاب و در اثر ظهور اندیشه‌های بنیادی بازگشت به خویشتن و فهم

مدل استراتژیک عدالت اجتماعی و فضایی در شهر آرمانی اسلام

بهزاد عمرانزاده

دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، ایران، تهران.

omranzadeh@ut.ac.ir

چکیده

شهر اسلامی مفهومی است که با توجه به شرایط فعلی کشور و دغدغه‌های ایجادشده در زمینه نظریه‌پردازی در زمینه الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت در راستای دستیابی به تمدن نوین اسلامی، با داشتن ظرفیت بین‌رشته‌ای بودن و عینی بودن، می‌تواند محور اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی متخصصان علوم اجتماعی و انسانی قرار گیرد. در مقاله حاضر تلاش شده تا با یک روش علمی جدید و با بهره‌مندی از منابع اسلامی موجود و در راستای تدوین مبانی نظری شهر اسلامی به عنوان عینیت الگو و تمدن اسلامی، در زمینه یکی از ابعاد این شهر که از اصلی‌ترین و مهم‌ترین چالش‌های شهرهای معاصر نیز می‌باشد، یعنی عدالت اجتماعی و فضایی، به تولید مبانی و نظریه اقدام گردد. عدالت یکی از کلان‌مفاهیمی است که تقریباً در تمامی حوزه‌های معرفتی و کل سطوح حیات بشری (فردی، اجتماعی، مادی، معنوی و...) و در تمامی دوران‌ها مطرح بوده است و اندیشمندان مکاتب مختلف، نظریات متعددی با رویکردهای متنوع درباره آن ارائه کرده‌اند. بر همین اساس و با نظر به اهداف عالیه نظام جمهوری اسلامی

منابع

- قرآن کریم.
- اراکی، محسن (۱۳۹۳). درس خارج فقه شهرسازی. موجود در: سایت mohsenaraki.com.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۳). مبانی نظری و فرایند طراحی شهری. تهران: شهیدی.
- حسینی، سیدعلی (۱۳۹۴). اصول و مبانی برنامه‌ریزی شهری. تهران: دریای دانش.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۷۹). پویایی‌های سیستم. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- دلاور، علی (۱۳۸۰). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: نشر ویرایش. چاپ سوم.
- رئیسی، محمدمنن (۱۳۹۵). ارزیابی و نقد رویکردهای تحقیق در معماری و شهرسازی از منظر اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی. ۱۱.
- رمضان‌سی، خسرو (۱۳۸۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری و علوم اجتماعی. شیراز: فاطمیه شیراز.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۹۱). تفسیر کشاف ج ۲. تهران: ققنوس.
- سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۹۱). منظر شهری. تهران: آبیژ.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- عباس‌زاده، میرمحمد (۱۳۸۹). روش‌های عملی تحقیق در علوم انسانی. ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- غفاریان، وفا، و کیانی، غلامرضا (۱۳۸۰). استراتژی اثربخش. تهران: نشر فرا.
- قراملکی، احد فرامرز (۱۳۹۱). روش‌شناسی مطالعات دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۳۷۵). أصول الکافی. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. قم: اسوه. چاپ سوم.
- گلکار، محمدحسین (۱۳۹۵). درسنامه پارادایم شبکه‌ای. مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
- واسطی، عبدالحمید (۱۴۲۳). راهنمای تحقیق با اقتباس از نظر اسلام، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
- واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۲). نگرش سیستمی به دین‌زیربنای الگوهای تمدن اسلامی. مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ج ۸. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ اول.

۹. نقاط بحران در تحقیق شهرسازی اسلامی

۱. شبکه‌ای ندیدن موضوعات شهرسازی؛
۲. نداشتن نگاه راهبردی به منابع دین در هنگام جمع‌آوری اطلاعات؛
۳. نداشتن تحلیل سیستمی در تحلیل اطلاعات.

۱۰. نقطه پایان در تحقیق شهرسازی اسلامی

نقطه پایان در تحقیق شهرسازی اسلامی، عبارت است از: تولید مدل راهبردی شهرسازی (برنامه‌ریزی) به همراه تطبیق بر یک شهر و ارائه نمونه‌هایی از فضای عقلایی که امکان عملیاتی شدن مدل را به تصویر بکشد و آماده‌سازی مدل راهبردی جهت تولید مدل راهکاری و عملیاتی و عمل کردن بر اساس مدل راهبردی در جهان خارج به کمک متخصصان شهرسازی.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با استفاده از اجتهاد سیستمی به تولید «نظریه» و «مدل راهبردی» شهرسازی اسلامی پرداختیم. براین اساس نشان داده شد که با کشف روابط بین گزاره‌های مربوط به یک موضوع، در قالب ورودی، خروجی و پردازش (تعیین نقطه شروع، مرکز ثقل فرایند، مسیر حرکت گام به گام، نقاط بحران و نقطه پایان) می‌توان مدل راهبردی شهرسازی اسلامی را تولید کرد. مدل راهبردی شهرسازی اسلامی می‌تواند در سطوح عالی‌تر علمی مطرح شود و پایه‌گذار تمدن نوین اسلامی در شهر (که مظهر تجلی مدیریت دین است) قرار گیرد.

به نظر نگارندگان، لازمه تحقق مدل‌سازی در بعد موضوع‌شناسی، همکاری متخصصان و دانشگاهیان و در بعد جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات که از منبع دین استخراج می‌گردد، همکاری متخصصان دینی در کنار موضوع‌شناسان است که می‌تواند به طراحی مدل راهبردی بینجامد.

۱۵. سازمان فضایی شهر در مقیاس های مختلف	سازمان فضایی شهر به گونه ای باشد که دسترسی به کاربری مسجد سهل الوصول باشد
۱۶. مکان یابی زمین کاربری های شهری	مکان یابی کاربری مسجد در محلی باشد که دسترسی به آن بهتر باشد.
۱۷. انواع فضاهاى شهری مطلوب (مسیر - گره - پله - لبه آب)	مسجد یکی از فضاهاى شهری عمومی است و طراحی آن در حیطه علم شهرسازی است.
۱۸. کیفیت های مطلوب فضای شهری (به طور کلی)	مسجد فضای شهری عمومی است. مسجد کالبدی ساده دارد.
۱۹. کیفیت های موضوعی فضاهاى شهری (به طور خاص)	راهبردهای آیه بر این محور تطبیق ندارد.
۲۰. کیفیت های موردی فضاهاى شهری (به طور اخص)	راهبردهای آیه تطبیق بر آن محور ندارد.
۲۱. کیفیت های اجزای فضاهاى شهری	اجزای مسجد باید به گونه ای باشد که افراد را نه به سمت خود، بلکه به سوی خدا دعوت کند (سادگی اجزا).
۲۲. تعیین اجزای فضاهاى شهری	راهبردهای آیه بر این محور تطبیق ندارد.
۲۳. فرایند طراحی کالبد و فضای شهر (شهرسازی)	راهبردهای آیه بر این محور تطبیق ندارد.

مدل سازی

در این مرحله، پس از تطبیق استظهارهای به دست آمده از آیات و روایات بر محورهای شهرسازی با توجه به شاخصه مراحل شش گانه سیستم (هدف، نقطه شروع، نقطه مرکزی، برنامه حرکت، نقاط بحران، مقصد و خروجی) جایگاه هر کدام در مراحل شش گانه سیستم شهرسازی مشخص می گردد. گفتنی است که در این قسمت صرفاً به جایگاه مدل سازی در برنامه حرکت سیستم تحقیق اشاره کردیم و خروجی مدلسازی در این قسمت، شش مرحله سیستمی مدل راهبردی شهرسازی اسلامی است که در مقاله به آن اشاره شده است؛ ولی اگر به دنبال مدل عملیاتی شهرسازی اسلامی باشیم، باید پاسخ پانزده مسئله فرعی مقاله نیز تبیین گردد تا برنامه حرکت مدل عملیاتی شهرسازی اسلامی حاصل شود.

۱. محدوده شهر	راهبردهای آیه، درباره مسجد است و بر این محور تطبیق ندارد.
۲. حریم شهر	راهبردهای آیه، درباره مسجد است و بر این محور تطبیق ندارد.
۳. حوزه نفوذ شهر	راهبردهای آیه، درباره مسجد است و بر این محور تطبیق ندارد.
۴. شکل مطلوب شهر	راهبردهای آیه، درباره مسجد است و بر این محور تطبیق ندارد.
۵. واحدبندی عملکردی	بر این محور تطبیق ندارد.
۶. مساحت عرصه زمین	مساحت مسجد باید به اندازه استفاده عمومی افراد باشد.
۷. سطح اشغال بنا و ضریب فضای باز	سطح اشغال بنای مسجد باید بگونه ای باشد که امکان رونق فعالیت در مسجد را فراهم کند.
۸. تعداد قطعات در یک بلوک ساختمانی	راهبردهای آیه بر این محور تطبیق ندارد.
۹. ارتفاع قطعات	ارتفاع کاربری مذهبی باید به اندازه‌ای باشد که فعالیت کاربری‌های دیگر را مختل نکند
۱۰. تعداد طبقات	تعداد طبقات مسجد به ازای فعالیت‌های متنوع مسجد (علمی - عبادی - فرهنگی) افزایش یابد.
۱۱. تراکم ساختمانی برای کاربری‌های شهری	راهبردهای آیه تطبیق بر آن محور ندارد.
۱۲. مدل مطلوب گسترش و پیش روی شهر (برون‌زا و درون‌زا)	راهبردهای آیه بر این محور تطبیق ندارد.
۱۳. سرانه زمین شهری	سرانه کاربری مسجد به اندازه‌ای باشد که عموم مردم محله بتوانند به فعالیت‌های مربوطه به مسجد در فضای مسجد بپردازند.
۱۴. فاصله دسترسی (شعاع عملکرد) کاربری‌ها	فاصله عملکردی مسجد باید اندازه‌ای باشد که عموم افرادی که در آن محله هستند بتوانند به راحتی به آن دسترس یابند.